



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

سیمای مهدی در قرآن

Vision of Mahdi in Quran

مهدی

دکتر محمد بیستونی

گروه تحقیق

محمد علی بیستونی، آلاءه نوری، طالب، جواد، محمد علی بیستونی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیمای مهدی در قرآن

نویسنده:

محمد بیستونی

ناشر چاپی:

بیان جوان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	سیمای مهدی در قرآن (جلد ۱)
۷	مشخصات کتاب
۷	فهرست مطالب
۸	الإهداء
۹	متن تأییدیه فقیه اهل بیت حضرت آیه الله حاج سیدمرتضی خاتمی در خصوص
۱۰	اسماء و القاب و کنیه‌های آن حضرت علیه السلام
۱۲	شمایل حضرت مهدی علیه السلام
۱۲	برخی از تکالیف مردم نسبت به امام عصر علیه السلام
۱۲	برخی از تکالیف مردم نسبت به امام عصر علیه السلام
۱۳	۱ - آمادگی فکری و فرهنگی
۱۴	۲ - آمادگی‌های اجتماعی
۱۴	۳ - آمادگی‌های تکنولوژی و ارتباطی
۱۵	مفهوم انتظار
۱۶	انتظار در عمق سرشت آدمی
۱۷	آثار سازنده انتظار
۱۷	اکنون بادقت به این چندروایت توجه کنید
۱۸	انتظار یعنی آماده باش کامل
۱۸	انتظار یعنی آماده باش کامل
۱۹	۱ - خودسازی فردی
۲۰	۲ - خودیاری‌های اجتماعی
۲۰	۳ - حل نشدن در فساد محیط
۲۱	مصلح بزرگ جهانی در آیات قرآن

- علائم ظهور ۲۵
- علائم ظهور ۲۵
- ۱ - فراگیر شدن ظلم و فساد ۲۶
- ۲ - دجال (مردم پرتزویبر و حيله‌گر) ۳۰
- ۳ - ظهور سفیانی ۳۴
- بررسی و تحقیق ۳۶
- آیا عمر طبیعی حدّ ثابتی دارد ؟ ۳۷
- وجود افراد استثنایی ۳۹
- این ایراد را چه کسانی طرح می‌کنند ؟ ۴۱
- «کتابنامه» ۴۲
- درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۴۵

سیمای مهدی در قرآن (جلد ۱)

مشخصات کتاب

- سرشناسه: بیستونی، محمد، ۱۳۳۷ -
- عنوان و نام پدیدآور: سیمای مهدی در قرآن = Vision of Mahdi in Qur'an/تالیف محمد بیستونی؛ گروه تحقیق محمدعلی بیستونی، طاهره نوری‌خانی، جواد غریب‌زاده.
- مشخصات نشر: قم: بیان جوان، ۱۳۸۵.
- مشخصات ظاهری: [۲۸۲] ص.
- شابک: ۹۶۴-۸۳۹۹-۸۲-۴
- وضعیت فهرست نویسی: فیپا
- یادداشت: کتاب حاضر قبلاً توسط همین انتشارات در سال ۱۳۸۳ به صورت جلدی نیز منتشر شده است.
- یادداشت: کتابنامه: ص [۲۶۹] - ۲۸۲؛ همچنین به صورت زیرنویس
- موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -- جنبه‌های قرآنی.
- موضوع: مهدویت -- جنبه‌های قرآنی.
- شناسه افزوده: نوری‌خانی، طاهره
- شناسه افزوده: غریب‌زاده، جواد
- رده بندی کنگره: BP۱۰۴/م ۸۶ ب ۹ ۱۳۸۵
- رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۹
- شماره کتابشناسی ملی: م ۸۵-۴۷۱۹۱

فهرست مطالب

موضوع صفحه

- متن تأییدیه فقیه اهل بیت حضرت «آیه الله حاج سید مرتضی خاتمی» ●●● ۶
- ولادت با سعادت امام زمان علیه السلام ●●● ۸
- اسماء و القاب و کنیه‌های آن حضرت علیه السلام ●●● ۹
- شمایل و بعضی از خصایص حضرت مهدی علیه السلام ●●● ۱۷
- برخی از تکالیف مردم نسبت به امام عصر علیه السلام ●●● ۱۷
- آمادگی‌های عمومی ●●● ۲۰
- ۱- آمادگی فکری و فرهنگی ●●● ۲۱
- ۲- آمادگی‌های اجتماعی ●●● ۲۳
- ۳- آمادگی‌های تکنولوژی و ارتباطی ●●● ۲۵

(۱۴۲) (۱)

موضوع صفحه

مفهوم انتظار ۲۸۰۰۰

انتظار در عمق سرشت آدمی ۲۹۰۰۰

آثار سازنده انتظار ۳۴۰۰۰

انتظار یعنی آماده باش کامل ۴۰۰۰۰

۱- خودسازی فردی ۴۳۰۰۰

۲- خودیاری‌های اجتماعی ۴۶۰۰۰

۳- حل نشدن در فساد محیط ۴۷۰۰۰

مصلح بزرگ جهانی در آیات قرآن ۵۱۰۰۰

۲- استخلاف در زمین ۵۷۰۰۰

علائم ظهور ۶۶۰۰۰

(۱۴۳) (۱)

موضوع صفحه

۱- فراگیر شدن ظلم و فساد ۶۷۰۰۰

۲- دجال (مردم پرتزویر و حيله گر ۸۳۰۰۰)

۳- ظهور سفیانی ۹۸۰۰۰

راز طول عمر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۰۸۰۰۰)

بررسی و تحقیق ۱۰۹۰۰۰

آیا عمر طبیعی حدّ ثابتی دارد ۱۱۰۴۰۰۰

وجود افراد استثنایی ۱۲۰۰۰۰

این ایراد را چه کسانی طرح می‌کنند ۱۲۶۴۰۰۰

(۱۴۴) (۱)

این کتاب از سری «۳۰ عنوان» کتاب‌های جدیدی است که در عرصه تفسیر موضوعی قرآن کریم برای جوانان عزیز با حمایت

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تولید و منتشر می‌شود.

مؤسسه قرآنی تفسیر جوان

الإهداء

إلى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ

رَسُولِ اللَّهِ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ إِلَى مَوْلَانَا

وَ مَوْلَى الْمُؤَحِّدِينَ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِلَى بَعْضِهِ

الْمُصْطَفَى وَ بِهِجْهٖ قَلْبُهُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ إِلَى سَيِّدِي

شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّبْطَيْنِ، الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ إِلَى الْأَيْمَةِ الشَّعْبَةِ

الْمَعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ سَيِّمًا بَقِيَّتِهِ اللَّهُ فِي الْأَرْضِينَ وَ وَارِثِ عُلُومِ

الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ، الْمَعْدِّ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ وَ الْمُدْخِرِ لِأَحْيَاءِ الْفَرَائِضِ وَ مَعَالِمِ الدِّينِ ،

الْحَجَّجَةُ بِنُ الْحَسَنِ صَاحِبِ الْعَصْرِ وَالزَّمَانَ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ فَيَا مُعِزَّ
 الْأَوْلِيَاءِ وَيَا مُدِلَّ الْأَعْدَاءِ أَيُّهَا السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ قَدْ مَسَّنَا
 وَأَهْلَنَا الضَّرَّ فِي غَيْبَتِكَ وَفِرَاقِكَ وَجُنَا بِيضَاعَهُ
 مُزْجَاهٍ مِنْ وَلَائِكَ وَمَحَبَّتِكَ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ مِنْ مَنَّكَ وَ
 فَضْلِكَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا بِنَظَرِهِ رَحْمَةً مِنْكَ
 إِنَّا نَرِيكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

(۵)

متن تأییدیه فقیه اهل بیت حضرت آیه الله حاج سیدمرتضی خاتمی در خصوص

«روش انس با قرآن» و تألیفات تفسیری جناب آقای دکتر محمد بیستونی

بسم الله الرحمن الرحيم

قرآن منشور هدایت، راهنمای جاوید، مبشر نور و برکت و «نسخه شفا بخش» برای همه انسان‌ها می‌باشد. این نور روشنگر و ابر باران خیز و «نسیم معنوی و جانبخش حیات» باید به عمق جان و روح نفوذ نموده و با روش‌های صحیح و کارشناسی شده در متن زندگی و فعالیت‌های فردی و اجتماعی همه انسانها خصوصا «اهل قبله» قرار گیرد.

در همین راستا، فرزند معنوی و عزیزم جناب آقای «دکتر محمد بیستونی» که از عنفوان جوانی در خدمت «قرآن و مساجد» بوده است. در یک تلاش طاقت‌فرسا و منظم که بنده از ۱۰ سال پیش، مستقیماً در جریان آن قرار گرفتم «طرح جدید و دقیقی» را تحت عنوان «روش انس با قرآن» از طریق «کارگاه آموزشی مفسرین جوان» ابداع نموده است و کلیه منابع تحقیقاتی آن را نیز شخصاً تألیف کرده و همه آن‌ها را قبل از چاپ و نشر برای «تصحیح لفظی و محتوایی و اعرابی» به رؤیت اینجانب رسانده است. بنده نیز با کمال دقت و حوصله تمامی آن‌ها را از اول تا آخر مطالعه و تصحیح نمودم.

تألیفات قرآنی جناب آقای دکتر محمد بیستونی که عموماً در حوزه «تفسیر موضوعی و زنجیره‌ای قرآن کریم»

(۶)

می‌باشد، بسیار ساده و برای عموم مردم و متدینین خصوصاً «نوجوانان و جوانان عزیز» کاملاً قابل استفاده بوده و می‌تواند تحوّل عظیمی را در «مؤانست نسل جوان با محتوای قرآن کریم» خصوصاً در حوزه‌های علمیه و دانشگاهها و مراکز آموزشی و دولتی کشور به همراه داشته باشد.

از ویژگی‌های بارز تألیفات تفسیری ایشان، توجه به «تفسیر موضوعی و زنجیره‌ای (تفسیر قرآن با قرآن)» می‌باشد که در نوع خود بی‌نظیر است.

امیدوارم جوانان عزیز مسلمان در سراسر جهان وجود وی را غنیمت شمرده و از تألیفات قرآنی ایشان که بحمدالله اخیراً به زبانهای عربی، انگلیسی، فرانسه و آلمانی نیز در دست چاپ و انتشار می‌باشد، حداکثر استفاده را بنمایند.

آرزوی منم خداوند تبارک و تعالی به این برادر باذوق و علاقمند به قرآن و مسائل جوانان توفیق ادامه مخلصانه چنین «تلاشهای مفید و مؤثر قرآنی» را بیش از پیش عنایت فرماید.

بتاریخ ۲۷/۱۳۸۲ ه.ش

۲۷ رجب المرجب ۱۴۲۴ ه.ق

مبعث رسول اکرم صلی الله علیه و آله

سید مرتضی خاتمی

(۷)

ولادت با سعادت امام زمان علیه‌السلام (۱)

در کتاب «ارشاد» شیخ مفید مذکور است که: ولادت آن حضرت، در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ بود و به روایتی شب جمعه، نیمی از ماه شعبان گذشته، سال ۲۵۵ از مادر متولد شده است.

شیخ جلیل، ابو محمد فضل بن شاذان که بعد از ولادت حضرت حجت علیه‌السلام و پیش از وفات حضرت عسگری علیه‌السلام وفات کرده، در کتاب «غیبت» خود گفته: از حضرت امام حسن عسگری علیه‌السلام نقل شده است که می‌گفت: «ولّیّ خدا و حجت خدا بر بندگان خدا و خلیفه من بعد از من، در شب نیمه ماه شعبان سال ۲۵۵ نزد طلوع فجر متولد شد. اوّل کسی که او را شست، «رضوان» خازن بهشت بود با جمعی از

۱- این مطالب از کتاب خورشیدغایب مختصرنجم‌الثاقب، تألیف رضااستادی، استفاده شده است.

(۸) «

ملائکه مقرّبین که او را به آب کوثر و سلسبیل شستند؛ بعد از آن، شست او را عمّه من «حکیمه خاتون» دختر امام جواد علیه‌السلام.

سپس از محمد بن علی که راوی این حدیث است، پرسیدند از مادر صاحب‌الامر علیه‌السلام؛ گفت: «مادرش ملیکه بود که او را در بعضی از روزها سوسن و در بعضی از ایام ریحانه می‌گفتند و صیقل و نرجس نیز از نام‌های او بود». از این خبر، وجه اختلاف در اسم آن بزرگوار معلوم می‌شود و این که به هر پنج اسم نامیده می‌شد.

اسماء و القاب و کنیه‌های آن حضرت علیه‌السلام

۱- «بَقِيَّةُ اللَّهِ : در «ذخیره» (۱) گفته که این نام آن جناب است. در کتاب «غیبت»

۱- نام کتابی است در شرح امام زمان «عجل الله تعالی فرجه الشریف» .

(۹) «

فضل بن شاذان روایت شده از امام صادق علیه‌السلام که در ضمن احوال قائم علیه‌السلام فرمود: «چون زمان ظهور آن حضرت فرا رسد، او به کعبه تکیه کرده و ۳۱۳ نفر گرد او جمع می‌شوند و اوّل چیزی که تکلم می‌فرماید، این آیه است... " بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ " (و بدانید) که آنچه خدا بر شما باقی گذارد و (برکت بخشد) بهتر است اگر واقعا به خدا ایمان دارد» (۱). آن‌گاه می‌فرماید: اَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ (۲) و حجت او و خلیفه او بر شما، پس سلام نمی‌کند بر او سلام‌کننده‌ای مگر آن که می‌گوید: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي اَرْضِهِ.

۲- «صاحبُ الزَّمان»: از القاب مشهور آن حضرت است و مراد از آن، فرمان‌فرما و حکمران زمان، از جانب خداوند است.

۱- ۸۶ / هود .

۲- یعنی من بقیة الله هستم و ...

(۱۰) «

۳- «قائم»: و این از القاب خاص مشهور متداول آن حضرت است و در «ذخیره» گفته: که این، اسم آن جناب است در زبور (حضرت داوود علیه‌السلام) .

«قائم» یعنی قیام‌کننده بر اجرای فرمان حق تعالی؛ زیرا آن حضرت، پیوسته در شب و روز، مهیای فرمان‌الهی است که به اشاره، ظهور نماید.

شیخ مفید در «ارشاد» روایت کرده از امام رضا علیه‌السلام که فرمود: «چون حضرت قائم علیه‌السلام برخیزد، مردم را به اسلام تازه بخواند».

تا آن که فرمود: «او را قائم نامیدند برای آن که قیام به حق خواهد نمود» .

از ابو حمزه ثمالی روایت شده است که گفت: سؤال کردم از حضرت امام باقر علیه‌السلام که: «يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ! آیا همه شما قائم به حق نیستید؟

﴿ (۱۱) ﴾

فرمود: همه قائم به حقیقیم .

گفتم: پس چگونه حضرت صاحب‌الامر علیه‌السلام را قائم نامیدند؟

فرمود: چون جدّم، حضرت امام حسین علیه‌السلام شهید شد، ملائکه در درگاه الهی صدا به گریه و ناله بلند کردند و گفتند: ای خداوند و سید ما! آیا غافل می‌شوی از قتل برگزیده خود و فرزند پیغمبر پسندیده خود و بهترین خلق خود؟ پس حق تعالی وحی کرد به سوی ایشان که: ای ملائکه من! قرار گیرید! قسم به عزّت و جلال خود که از ایشان انتقام خواهم کشید، هر چند بعد از زمان‌ها باشد. پس حق تعالی حجاب‌ها را برداشت و نور امامان از فرزندان حسین را به ایشان نشان داد و ملائکه به آن شاد شدند؛ پس یکی از آن‌ها نور را دیدند که در میان آن‌ها ایستاده، به نماز مشغول بود؛ حق تعالی فرمود: به وسیله این ایستاده (قائم) از ایشان، انتقام خواهم کشید».

﴿ (۱۲) ﴾

۴- «مهدی»: از مشهورترین اسماء و القاب آن حضرت است در نزد جمیع فرقه‌های اسلامیّه.

شیخ طوسی در «غیبت» خود روایت کرده از ابی سعید خراسانی که او سؤال نمود از امام صادق علیه‌السلام که: «چرا نامیده شده آن جناب به مهدی؟» فرمود: «زیرا که او هدایت می‌کند مردم را به سوی هر امر مخفی» .

۵- «مُنْتَظَرٌ»: در «کمال‌الدین» روایت شده است از امام محمد تقی علیه‌السلام که فرمود: «امام بعد از حسن علیه‌السلام پسر اوست؛ قائم به حقّ که منتظر است.

راوی پرسید: چرا او را منتظر نام کرده‌اند؟

فرمود: برای آن که برای اوست غایب شدنی که بسیار خواهد بود روزهای آن و به

﴿ (۱۳) ﴾

طول خواهد کشید مدّت آن؛ پس انتظار خواهند کشید ظهور او را مخلصان و انکار خواهند کرد او را شک کنندگان...» .

۶- «مُضْطَرٌّ»: ناچار، گرفتار شدید. در «تفسیر علی بن ابراهیم» از حضرت صادق علیه‌السلام روایت شده که فرمود: «آیه شریفه أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ... (۱) در حقّ قائم علیه‌السلام نازل شده؛ و هرگاه مضطرّ؛ دو رکعت نماز بخواند در مقام - یعنی مقام ابراهیم علیه‌السلام و خدای را بخواند، پس اجابت می‌کند او را و برطرف می‌کند سوء را و می‌گرداند او را خلیفه زمین».

۱- ۶۲ / نمل .

﴿ (۱۴) ﴾

۷- «نور آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله»: چنان که در خبری است از حضرت صادق علیه‌السلام و در «ذخیره» از اسامی آن جناب شمرده شده که در قرآن مذکور است.

و در چند خبر مذکور است در آیه شریفه «وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ» (۱) یعنی به ولایت قائم علیه‌السلام و به ظهور آن جناب. و در آیه «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» (۲) که مراد، روشن شدن زمین است به نور آن جناب. و در یکی از زیارات جامعه، در اوصاف آن حضرت است: «نُورُ الْأَنْوَارِ الَّذِي تَشْرُقُ بِهِ الْأَرْضُ عَمَّا قَلِيلٍ».

۱- ۸ / صف .

۲- ۶۹ / زمر .

« (۱۵) »

مخفی نماند که بیشتر این اسامی و القاب و کنیه‌ها که ذکر شد، از جانب خدای تبارک و تعالی و خلفای اوست، نه مثل نام گذاردن متعارف مردم است که در آن، رعایت و ملاحظه معنی آن اسم و وجود و عدم آن، در آن شخص نکنند و گاهی شود که برای مولودی پست رتبه و فطرت و مذموم الخلقه و خصلت، اسامی شریفه گذاردند و لکن خدای تعالی و اولیایش تا معنی اسم در شخص نباشد، آن اسم را برای او نگذارند.

و از این جا معلوم می‌شود که کثرت اسامی و القاب الهی رسول خدا و صدیقه کبری و ائمه هدی کاشف است از کثرت صفات و مقامات عالیه؛ زیرا هر یک، دلالت بر خُلق و صفتی و فضل و مقامی کند؛ بلکه بعضی بر همه آن‌ها دلالت کند و از آن‌ها باید به آن مقامات - به آن قدر که لفظ را گنجایش و فهم را راه باشد - پی برد.

« (۱۶) »

شمایل حضرت مهدی علیه‌السلام

شیخ صدوق در «کمال‌الدین» روایت کرده که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «مهدی علیه‌السلام شبیه‌ترین مردم است به من؛ در خُلق و خُلق».

در «غیبت» نعمانی روایت شده از یکی از راویان که گفت: «قائم - مهدی علیه‌السلام - از نسل علی علیه‌السلام است، شبیه‌ترین مردم است به عیسی بن مریم در خُلق و سیمای و هیأت...».

برخی از تکالیف مردم نسبت به امام عصر علیه‌السلام

برخی از تکالیف مردم نسبت به امام عصر علیه‌السلام

اول: از تکالیف قلبی، انتظار فرج آل محمد علیهم‌السلام در هر آن و انتظار ظهور دولت قاهره و سلطنت ظاهره مهدی آل محمد علیهم‌السلام و پر شدن زمین از عدل و داد و غالب شدن دین اسلام بر جمیع ادیان (می‌باشد) که خدای تعالی به نبی اکرم خود خبر داده و وعده فرموده؛ بلکه بشارت آن را به جمیع پیغمبران و ائمه داده که: روزی خواهد آمد که جز خدای تعالی کسی را پرستش نکنند و چیزی از دین نماند که از بیم احدی، در پرده ستر و حجاب بماند و بلا و شدت، از حق پرستان برود؛ چنان که در زیارت مهدی آل محمد علیهم‌السلام است که:

« (۱۷) »

«السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ بِهِ الْأُمَّمَ أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ وَيُلِمَّ بِهِ الشَّعْثَ وَيَمْلَأَ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا - وَقِسِيطًا وَيُنْجِزَ بِهِ وَعْدَ الْمُؤْمِنِينَ».

ترجمه: سلام بر مهدی! آن که (خدا) وعده داده به او جمیع ائمه‌ها را که جمع کند به وجود او کلمه‌ها را - یعنی اختلاف را از میان

ببرد و دین یکی شود - و گرد آورد به او پراکندگی‌ها را و پُر کند به او زمین را از عدل و داد و انفاذ فرماید به سبب او، وعده فرجی که به مؤمنین داده .

دوم: از تکالیف، دعا کردن است برای حفظ وجود مبارک امام عصر علیه‌السلام از شرور شیاطین انس و جنّ و طلب تعجیل نصرت و ظفر و غلبه بر کفار و ملحدین و

(۱۸) ﴿﴾

منافقین برای آن جناب؛ و این، نوعی است از اظهار بندگی و رضای به آنچه خدای تعالی وعده فرموده که چنین گوهر گرانبهایی را - که در خزانه قدرت و رحمت خود پرورده و بر چهره آن حجاب عظمت و جلالت کشیده - در روزی که خود مصلحت داند، ظاهر و دنیا را از پرتو شعاع او روشن نماید.

و با چنان وعده منجز حتمی، در دعای ما برای آن حضرت، جز ادای رسم بندگی و اظهار شوق و زیادتى محبت و ثواب و رضا به موهبت کبرای خداوندی، اثری ظاهر نباشد؛ اگر چه بسیار تحریص و تأکید فرمودند در دعای برای آن حضرت علیه‌السلام در غالب اوقات. (۱)

۱- این مطالب از کتاب خورشیدغایب مختصرنجم‌الثاقب، تألیف رضااستادی، استفاده شده است.

(۱۹) ﴿﴾

آمادگی‌های عمومی (۱)

ما هر قدر خوشبین و امیدوار باشیم باز باید بدانیم رسیدن به مرحله‌ای از تاریخ که در آن :

همه‌انسان‌ها زیر یک پرچم گرد آیند و سلاح‌های وحشتناک از جهان برچیده شود؛

و طبقات به مفهوم استعمارگر و استعمارشونده از میان برود؛

و کشمکش‌ها و بازی‌های خطرناک سیاسی و نظامی ابرقدرتها برای همیشه به دست فراموشی سپرده شود و دنیا از نام چندش آور «ابرقدرت» و کابوس شوم نیروهای جهنمی آنها رهایی یابد؛

۱- این مطالب از کتاب حکومت جهانی مهدی (عج)، تألیف حضرت آیه الله مکارم شیرازی، استفاده شده است .

(۲۰) ﴿﴾

و رقابت‌های ناسالم و ویرانگر اقتصادی جای خود را به تعاون همگانی انسان‌ها در راه بهتر و پاک‌تر زیستن دهد؛ ...

هنوز زود است؛ و آمادگی عمومی لازم دارد .

اما از آن‌جا که در عصر اخیر تحوّل‌ها و دگرگونی‌ها به سرعت روی می‌دهد نباید آن را هم زیاد دور بدانیم همانند یک رؤیا و خواب شیرین.

ولی در هر حال، برای این که دنیا چنان حکومتی را پذیرا گردد چهارنوع آمادگی لازم است.

۱- آمادگی فکری و فرهنگی

یعنی سطح افکار مردم جهان آن‌چنان بالا رود که بدانند مثلاً مسأله «نژاد» یا «مناطق مختلف جغرافیایی» مسأله قابل توجهی در زندگی بشر نیست. تفاوت رنگ‌ها

(۲۱) ﴿﴾

و زبان‌ها و سرزمین‌ها نمی‌توانند نوع بشر را از هم جدا سازد. تعصّب‌های قبیله‌ای و گروهی باید برای همیشه بمیرد؛ فکر مسخره‌آمیز

«نژاد برتر» را باید به دور افکند؛ مرزهای ساختگی با سیم‌های خاردار! و دیوارهایی همچون دیوار باستانی چین! نمی‌تواند انسان‌ها را

از هم دورسازد.

بلکه همان گونه که نور آفتاب و نسیم‌های روحبخش و ابرهای باران‌زا و سایر مواهب و نیروهای جهان طبیعت به این مرزها ابدا توجهی ندارند و همه روی کره زمین را دور می‌زنند و دنیا را عملاً یک کشور می‌دانند؛ ما انسان‌ها نیز به همین مرحله از رشد فکری برسیم.

و اگر خوب دقت کنیم می‌بینیم این طرز تفکر در میان آگاهان و روشنفکرهای جهان در حال تکوین و تکامل است و روز به روز بر تعداد کسانی که به مسأله (۲۲)»

«جهان وطنی» می‌اندیشند افزوده می‌شود.

حتی مسأله زبان واحد جهانی از صورت حرف بیرون آمده و زبان «اسپرانتو» به عنوان زبانی که همه جهانیان را در آینده به هم پیوند دهد ابداع شده و کتاب‌های مختلفی به این زبان نشر یافته است.

۲- آمادگی‌های اجتماعی

مردم جهان باید از ظلم و ستم و نظامات موجود خسته شوند و تلخی این زندگی مادی و یک بعدی را احساس کنند و حتی از این که ادامه این راه یک بعدی ممکن است در آینده مشکلات کنونی را حل کند، مأیوس گردند. مردم جهان باید بفهمند آنچه در قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی درباره آینده درخشان تمدن (۲۳)»

بشری در پرتو پیشرفت‌های ماشینی به آنها نوید داده می‌شد، در واقع در باغ سبزی بیش نبود؛ و یا همچون سرابی در یک بیابان سوزان در برابر دیدگان مسافران تشنه کام.

نه تنها صلح و رفاه و امیتت مردم جهان تأمین نشد، بلکه دامنه مناقشات و ناامنی‌های مادی و معنوی گسترش یافت. پی بردن به عمق وضع خطرناک کنونی، نخست حالت تفکر، سپس تردید و سرانجام یأس از وضع موجود جهان و آمادگی برای یک انقلاب همه‌جانبه براساس ارزش‌های جدید به وجود می‌آورد.

این چیزی است که تا حاصل نگردد رسیدن به چنان مرحله‌ای ممکن نیست، درست همانند دمل چرکینی که تا نضج نگیرد لحظه نشتر زدن آن فرانخواهد رسید.

(۲۴)»

۳- آمادگی‌های تکنولوژی و ارتباطی

برخلاف آنچه بعضی می‌پندارند که رسیدن به مرحله تکامل اجتماعی و رسیدن به جهانی آکنده از صلح و عدالت، حتما همراه با نابودی تکنولوژی جدید امکان‌پذیر است، وجود این صنایع پیشرفته نه تنها مزاحم یک حکومت عادلانه جهانی نخواهد بود، بلکه شاید بدون آن وصول به چنین هدفی محال است.

برای ایجاد و سپس کنترل یک نظام جهانی، یک سلسله وسایل مافوق مدرن لازم است که با آن بتوان جهان را در مدت کوتاهی درنوردید و به همه جا سرکشی کرد؛ از همه جا آگاه شد؛ و در صورت نیاز امکانات لازم را از یک سوی جهان به سوی دیگر برد؛ و پیام‌ها و اطلاعات و آگاهی‌های مورد نیاز را در کمترین مدت به همه نقاط دنیا رسانید.

اگر زندگی صنعتی به وضع قدیم باز گردد و مثلاً برای فرستادن یک پیام از یک سوی

(۲۵) (۱)

جهان به سوی دیگر یک سال وقت لازم باشد، چگونه می‌توان بر جهان حکومت کرد و عدالت را در همه جا گسترد؟! اگر برای سرکوب کردن یک فرد یا یک گروه کوچک متجاوز - که مسلماً حتی در چنان جهانی نیز امکان وجود دارد - مدت‌ها وقت برای مطلع شدن حکومت و سپس مدت‌ها وقت برای فرستادن نیروی تأمین کننده عدالت لازم باشد، چگونه می‌توان حق و عدالت و صلح را در سراسر دنیا تأمین کرد!؟

خلاصه، بدون شک چنین حکومتی برای برقرار ساختن نظم و عدالت در سطح جهان نیاز به آن دارد که در آن واحد از همه جا آگاه و بر همه جا تسلط کامل داشته باشد، تا مردم آماده اصلاح را تربیت و رهبری کند؛ آگاه سازد؛ زنده و بیدار نگه دارد؛ و چنانکه افرادی ناصالح بخواهند سربر آورند آن‌ها را بر سر جای خود بنشانند.

آنها که غیر از این فکر می‌کنند گویا به مفهوم حکومت جهانی نمی‌اندیشند و آن را با حکومت در یک محدوده کوچک مقایسه می‌کنند.

(۲۶) (۱)

اصولاً دنیائی که می‌خواهد به چنین مرحله‌ای برسد باید آن‌چنان وسایل آموزش و تربیت در آن وسیع و گسترده و همگانی باشد که قسمت عمده برنامه‌های اصلاحی را با «خودآگاهی» و «خودیاری» مردم پیاده کند و زنده کردن روح «خودآگاهی» و «خودیاری» عمومی و در سطح جهان نیازمند به نیرومندترین مراکز فرهنگی و وسایل ارتباط جمعی و جامع‌ترین کتب و مطبوعات و مانند آن است، که هیچ کدام از این‌ها بدون عالی‌ترین و پیشرفته‌ترین وسایل صنعتی ممکن نیست.

آری اگر بنا بود همه کارها با «معجزه» تحقق پذیرد وجود چنین نظامی بدون وسایل پیشرفته صنعتی قابل تصور بود ولی مگر اداره زندگی مردم جهان با معجزه ممکن است؟

(۲۷) (۱)

معجزه، استثنایی است منطقی در نظام جاری طبیعت، برای اثبات حقایق یک آیین آسمانی، نه برای اداره همیشگی نظام جامعه. این کار تنها باید بر محور قوانین طبیعی صورت گیرد.

مفهوم انتظار

«انتظار» یا «آینده‌نگری» به حالت کسی گفته می‌شود که «از وضع موجود ناراحت است و برای ایجاد وضع بهترین تلاش می‌کند».

فی‌المثل، بیماری که انتظار بهبودی می‌کشد، با پدری که در انتظار بازگشت فرزندش از سفر است، از بیماری و فراق فرزند ناراحتند و برای وضع بهترین می‌کوشند.

همچنین تاجری که از بازار آشفته ناراحت است و در انتظار فروشنستن بحران اقتصادی می‌باشد این دو حالت را دارد:

(۲۸) (۱)

«بیگانگی با وضع موجود» و «تلاش برای وضع بهتر».

بنابراین، مسأله انتظار حکومت حق و عدالت «مهدی» و قیام مصلح جهانی در واقع مرکب از دو عنصر است؛ عنصر «نفی» و عنصر «اثبات».

عنصر نفی همان بیگانگی با وضع موجود؛ و عنصر اثبات خواهان وضع بهتری بودن است.

انتظار در عمق سرشت آدمی

برخلاف گفته کسانی که فکر می‌کنند بذر اصلی انتظار ظهور یک مصلح بزرگ را شکست‌ها و ناکامیها و نابسامانی‌ها در سطح افکار می‌باشد، عشق به این موضوع

(۲۹) (۱۱)

مربوط به اعماق وجود آدمی است؛ گاهی به گونه پررنگ و گاهی کم رنگ. به تعبیر دیگر، انسان از دو راه - از راه عاطفه و از راه خرد - سرانجام در برابر چنین مسأله‌ای قرار می‌گیرد و سرش این ظهور را با دو زبان «فطرت و عقل» می‌شنود. و به عبارت روشن‌تر، ایمان به ظهور مصلح جهانی جزئی از «عشق به آگاهی» و «عشق به زیبایی» و «عشق به نیکی» (سه بعد از ابعاد چهارگانه روح انسان) است که بدون چنان ظهوری این عشق‌ها به ناکامی گراید و به شکست محکوم می‌شود. خلاصه، علاقه انسان به پیشرفت و تکامل، به دانایی و زیبایی، به نیکی و عدالت، علاقه‌ای است اصیل، همیشگی و جاودانی؛ و انتظار ظهور یک مصلح بزرگ جهانی آخرین نقطه اوج این علاقه است. بنابراین، کسانی که در زندگی گرفتار شکست و بحرانی نبوده‌اند، چنین احساسی را در درون جان خود دارند... این از یک سو.

(۳۰) (۱۱)

از سوی دیگر، همانطور که اعضای پیکر انسان به تکامل و پیشرفت وجود او کمک می‌کند و عضوی در بدن نمی‌یابیم که مطلقاً نقشی در این حرکت تکاملی داشته باشد، خصایص روانی انسان نیز چنین‌اند؛ یعنی، هر کدام نقش مؤثری در پیشرفت هدف‌های اصیل او دارند. مثلاً «ترس از عوامل خطرناک» که در هر انسانی وجود دارد سپری است برای حفظ او در برابر خطر. «خشم» به هنگامی که انسان منافع خود را در معرض تهدید می‌بیند وسیله‌ای است برای افزایش قدرت دفاعی و بسیج تمام نیروهای ذخیره جسمی و روحی برای نجات منافعش از خطر؛ بنابراین، عشق به تکامل، عشق به صلح و عدالت، نیز

(۳۱) (۱۱)

وسیله‌ای است برای رسیدن به این هدف بزرگ و به منزله موتور نیرومندی است که چرخ‌های وجود انسان را در این راه به حرکت دائمی وامی‌دارد؛ و او را برای رسیدن به جهانی مملو از صلح و عدالت کمک می‌کند. از سوی دیگر، احساسات و دستگاه‌هایی که در جسم و جان وجود دارند نمی‌توانند هماهنگ با مجموعه عالم هستی نباشد؛ زیرا همه جهان هستی یک واحد به هم پیوسته است و وجود ما نمی‌تواند از بقیه جهان جدا باشد. از این به هم پیوستگی به خوبی می‌توانیم نتیجه‌گیری کنیم که هر عشق و علاقه اصیلی در وجود ما هست دلیل بر آن است که «معشوق» و «هدف» آن نیز در جهان وجود دارد و این عشق وسیله‌ای است که ما را به او نزدیک می‌سازد. یعنی اگر تشنه می‌شویم و عشق به آب داریم دلیل بر آن است که «آبی»

(۳۲) (۱۱)

وجود دارد که دستگاه آفرینش تشنگی آن را در وجود ما قرار داده است. اگر علاقه‌ای به جنس مخالف داریم دلیل بر وجود جنسی مخالف در بیرون ماست؛ و اگر عشق به زیبایی و دانایی داریم دلیل بر این است که زیبایی‌ها و دانائی‌هایی در جهان هستی وجود دارد. و از اینجا به آسانی نتیجه می‌گیریم که اگر انسان‌ها انتظار مصلح بزرگی را می‌کشند که جهان را پر از صلح و عدالت و نیکی و داد کند، دلیل بر آن است که چنان نقطه اوجی در تکامل جامعه انسانی امکان‌پذیر و عملی است که عشق و انتظارش در

درون جان ماست .

عمومیت این اعتقاد در همه مذاهب نیز نشانه دیگری بر اصالت و واقعیت آن است زیرا چیزی که زائیده شرایط خاص و محدودی است نمی‌تواند این چنین عمومی باشد . تنها مسائل فطری هستند که از چنین عمومیتی برخوردارند ؛ و این‌ها همه نشانه آن است که از زبان عواطف و سرشت آدمی این نغمه در جان او سر داده شده که سرانجام مصلحی بزرگ جهان را زیر پرچم صلح و عدالت قرار خواهد داد .

((۳۳))

آثار سازنده انتظار

آیا ایمان به ظهور یک مصلح واقعی ، انسان را آن سان در افکار رؤیایی فرومی‌برد که از وضع موجود خود غافل می‌گردد و تسلیم هر گونه شرایطی می‌کند ؟

و یا این که به راستی این عقیده یک نوع دعوت به قیام و سازندگی فرد و اجتماع است ؟ آیا ایجاد تحرک می‌کند یا رکود ؟ آیا مسؤولیت آفرین است یا مایه فرار از زیربار مسؤولیت‌ها ؟ و بالاخره آیا مخدر است یا بیدارکننده ؟

((۳۴))

قبل از توضیح و بررسی این سؤالات توجه به یک نکته کاملاً ضروری است و آن اینکه سازنده‌ترین دستورات و عالی‌ترین مفاهیم هر گاه به دست افراد ناوارد ، یا نالایق ، یا سوء استفاده‌چی بیفتد ممکن است آن را چنان مسخ کنند که درست نتیجه‌ای برخلاف هدف اصلی بدهد و در مسیر بر ضد آن حرکت کند ؛ و این نمونه‌های بسیار دارد و مسأله «انتظار» به طوری که خواهیم دید در ردیف همین مسائل است .

به هر حال ، برای رهایی از هرگونه اشتباه در محاسبه ، در این گونه مباحث ، باید به اصطلاح آب را از سرچشمه گرفت تا آلودگی‌های احتمالی نهرها و کانال‌های میان راه در آن اثر نگذارد .

به همین دلیل ، ما در بحث انتظار مستقیماً به سراغ متون اصلی اسلامی رفته و لحن

((۳۵))

گوناگون روایاتی را که روی مسأله «انتظار» تأکید می‌کند مورد بررسی قرار می‌دهیم تا از هدف اصلی آگاه شویم .

اکنون بادقت به این چند روایت توجه کنید

کسی از امام صادق علیه‌السلام پرسید چه می‌گویید درباره کسی که دارای ولایت امامان است ؛ و انتظار ظهور حکومت حق را می‌کشد و در این حال از دنیا می‌رود ؟

امام علیه‌السلام در پاسخ فرمود :

« هُوَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُشِيَطَاطِهِ - ثُمَّ سَيَكْتُ هَنِيئَةً - ثُمَّ قَالَ هُوَ كَمَنْ كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ؛ او همانند کسی است که با رهبر این انقلاب در خیمه او (ستاد ارتش او) بوده باشد - سپس کمی سکوت کرد - و فرمود مانند کسی است که با پیامبر اسلام (در مبارزاتش) همراه بوده است .

((۳۶))

این مضمون در روایات زیادی با تعبیرات مختلفی نقل شده است :

در بعضی «بِمَنْزِلَةِ الصَّارِبِ بِسَيْفِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ همانند شمشیرزنی در راه خدا» .

و در بعضی دیگر « كَمَنْ قَارَعَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ بِسَيْفِهِ : همانند کسی است که در خدمت پیامبر با شمشیر بر مغز دشمن بکوبد ». در بعضی دیگر « بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ قَاعِدًا تَحْتَ لُؤَاءِ الْقَائِمِ؛ همانند کسی است که زیر پرچم قائم بوده باشد ». و در بعضی دیگر « بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ؛ همانند کسی است که پیش روی پیامبر صلی الله علیه و آله جهاد کند» .

و در بعضی دیگر « بِمَنْزِلَةِ مَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ همانند کسی است که با پیامبر شهید شود ». (۳۷) (۱۱)

این تشبیهات که در مورد انتظار ظهور حضرت مهدی (عج) در این روایات وارد شده بسیار پرمعنی و روشنگر این واقعیت است که یک نوع رابطه و تشابه در میان مسأله «انتظار» و «جهاد» و مبارزه با دشمن، در آخرین شکل خود، وجود دارد. (دقت کنید)

در روایات متعددی نیز انتظار چنین حکومتی را داشتن، به عنوان بالاترین عبادت معرفی شده است. این مضمون در بعضی از احادیث، از پیامبر صلی الله علیه و آله و در بعضی از حضرت علی علیه السلام نقل شده است؛ از جمله در حدیثی می‌خوانیم که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

« أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ بالاترین اعمال امت من انتظار فرج از ناحیه خدا کشیدن است ». (۳۸) (۱۱)

و در حدیث دیگری از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌خوانیم:

« أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ »

این حدیث اعم از این که انتظار فرج را به معنی وسیع کلمه بدانیم و یا به مفهوم خاص یعنی انتظار ظهور مصلح جهانی باشد، اهمیت انتظار را در مورد بحث ما روشن می‌سازد.

این تعبیرات همگی حاکی از این است که انتظار چنان انقلابی همیشه توأم با یک جهاد وسیع دامنه دار است. و اگر اعتقاد و انتظار حکومت جهانی مهدی به صورت ریشه دار حلول کند، سرچشمه دو رشته اعمال دامنه دار خواهد شد (زیرا اعتقادات سطحی ممکن است اثر آن از گفتار و سخن تجاوز نکند اما اعتقادات عمیق همیشه آثار عملی گسترده‌ای به دنبال خواهد داشت)؛ این دو رشته اعمال عبارتند از:

ترک هر گونه همکاری و هماهنگی با عوامل ظلم و فساد و حتی مبارزه و درگیری (۳۹) (۱۱)

با آنها از یک سو؛ و خودسازی و خودیاری و جلب آمادگی‌های جسمی و روحی و مادی و معنوی برای شکل گرفتن آن حکومت واحد جهانی و مردمی، از سوی دیگر.

و خوب که دقت کنیم می‌بینیم هر دو قسمت آن کاملاً سازنده و عامل تحرک و آگاهی و بیداری است.

انتظار یعنی آماده باش کامل

انتظار یعنی آماده باش کامل

من اگر ظالم و ستمگرم چگونه ممکن است در انتظار کسی باشم که طعمه شمشیرش خون ستمگران است. من اگر آلوده و ناپاکم چگونه می‌توانم، منتظر انقلابی باشم که شعله اولش دامان آلودگان را می‌گیرد.

ارتشی که در انتظار جهاد بزرگی است آمادگی رزمی نفرات خود را

«(۴۰)»

بالا می‌برد و روح انقلابی در آنها می‌دمد و هرگونه نقطه ضعفی را اصلاح می‌کند.

چگونگی «انتظار» همواره متناسب با هدفی است که در انتظار آن هستیم:

انتظار آمدن یک مسافر عادی از سفر. انتظار بازگشت یک دوست بسیار عزیز. انتظار فرارسیدن فصل چیدن میوه از درخت و دروکردن محصول. انتظار فرارسیدن فصل تحصیلی مدارس... هر یک از این انتظارها آمیخته با یک نوع آمادگی است. در یکی باید خانه را آماده کرده و وسایل پذیرایی فراهم ساخت؛ در دیگری ابزار لازم و داس و کمباین و... در دیگری کتاب و دفتر و قلم و لباس مدرسه و مانند آن.

اکنون فکر کنید آنها که انتظار قیام یک مصلح بزرگ جهانی را می‌کشند در واقع انتظار انقلاب و دگرگونی و تحوّل را دارند که وسیع‌ترین و اساسی‌ترین انقلاب‌های انسانی در طول تاریخ بشر است.

«(۴۱)»

انقلابی که برخلاف انقلاب‌های اصلاحی پیشین جنبه منطقه‌ای نداشته و نه اختصاص به یک جنبه از جنبه‌های مختلف زندگی دارد؛ بلکه علاوه بر این که عمومی و همگانی است، تمام شؤون و جوانب زندگی انسان‌ها را شامل می‌شود؛ انقلابی است سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و اخلاقی.

پس از انجام یافتن این مرحله، نوبت به جنبه اثبات یعنی جانشین ساختن عوامل اصلاح و سازندگی می‌رسد.

ترکیب دو مفهوم «انتظار» و «انقلاب جهانی» آنچه را قبلاً گفتیم کاملاً روشن می‌کند؛ یعنی، کسانی که در انتظار چنان انقلابی به سر می‌برند اگر در دعوی خود صادق باشند (نه جزء منتظران دروغین خیالی) به طور مسلم آثار زیر در آنها آشکار خواهد شد:

«(۴۲)»

۱- خودسازی فردی

حکومت جهانی مهدی قبل از هر چیز نیازمند به عناصر آماده و باارزش انسانی است که بتوانند بار سنگین چنان اصلاحات وسیعی را در جهان به دوش بکشند؛ و این در درجه اول محتاج به بالا بردن سطح اندیشه و آگاهی و آمادگی روحی و فکری برای همکاری در پیاده کردن آن برنامه عظیم است؛ تنگ نظری‌ها، کوتاه بینی‌ها، کج فکری‌ها، حسادت‌ها، اختلافات کودکان و نابخردانه و بطور کلی هرگونه نفاق و پراکندگی با موقعیت منتظران واقعی سازگار نیست.

نکته مهم اینجاست که منتظر واقعی برای چنان برنامه مهمی هرگز نمی‌تواند نقش تماشاچی را داشته باشد؛ باید حتما در صف اصلاح‌طلبان واقعی قرار گیرد.

من اگر ناپاک و آلوده‌ام چگونه می‌توانم منتظر تحوّل و انقلابی باشم که شعله اولش دامن مرا می‌گیرد.

«(۴۳)»

من اگر ظالم و ستمگرم چگونه ممکن است در انتظار کسی بنشینم که طعمه شمشیرش خون ستمگران است و من اگر فاسد و نادرستم چگونه می‌توانم در انتظار نظامی که افراد فاسد و نادرست در آن هیچ گونه نقشی ندارند، بلکه مطرود و منفور خواهند بود، روزشماری کنم.

آیا این انتظار برای تصفیه روح و فکر و شستشوی جسم و جان من از لوث آلودگی‌ها کافی نیست.

ارتشی که در انتظار جهاد آزادیبخش به سر می‌برد، حتماً به حالت آماده باش کامل درمی‌آید؛ سلاحی که برای چنین میدان نبردی شایسته است به دست می‌آورد؛ سلاح‌های موجود را اصلاح می‌کند؛ سنگرهای لازم را می‌سازد؛ آمادگی رزمی (۴۴) (۰)

نفرات خود را بالا-می‌برد؛ روحیه افراد خود را تقویت می‌کند؛ و شعله عشق و شوق برای چنان مبارزه‌ای را در دل فرد فرد سربازانش زنده نگه می‌دارد؛ ارتشی که دارای چنین آمادگی نیست هرگز در انتظار به سر نمی‌برد و اگر بگوید دروغ می‌گوید؛ انتظار یک مصلح جهانی به معنی آماده باش کامل فکری و اخلاقی، مادی و معنوی، برای اصلاح همه جهان است. فکر کنید چنین آماده باشی چقدر سازنده است! اصلاح تمام روی زمین و پایان دادن به همه مظالم و نابسامانی‌ها شوخی نیست! کار ساده‌ای نمی‌تواند باشد! آماده باش برای چنین هدف بزرگی باید متناسب با آن باشد؛ یعنی باید به وسعت و عمق آن باشد. (۴۵) (۰)

۲- خودیاری‌های اجتماعی

منتظران راستین در عین حال، وظیفه دارند که علاوه بر اصلاح خویش، در اصلاح دیگران نیز بکوشند؛ زیرا برنامه عظیم و سنگینی که انتظارش را می‌کشند یک برنامه فردی نیست؛ برنامه‌ای است که تمام عناصر تحوّل باید در آن شرکت جوید؛ باید کار به صورت دسته‌جمعی و همگانی باشد؛ کوشش‌ها و تلاش‌ها باید هماهنگ گردد و عمق و وسعت این هماهنگی باید به عظمت همان برنامه انقلاب جهانی باشد که انتظار آن را دارند. در یک میدان وسیع مبارزه دسته‌جمعی هیچ فردی نمی‌تواند از حال دیگران غافل بماند؛ بلکه موظف است هر نقطه ضعفی را در هر کجا ببیند اصلاح کند؛ و هر موضع آسیب‌پذیری را ترمیم نماید؛ و هر قسمت ضعیف و ناتوانی را تقویت کند؛ (۴۶) (۰)

زیرا بدون شرکت فعالانه و هماهنگ تمام مبارزین، پیاده کردن چنان برنامه‌ای امکان‌پذیر نیست. بنابراین منتظران واقعی علاوه بر این که به اصلاح خویش می‌کوشند، وظیفه خود می‌دانند که دیگران را نیز اصلاح کنند. این است اثر سازنده دیگر برای انتظار قیام یک مصلح جهانی و این است فلسفه آن همه افتخارات و فضیلت‌ها که برای منتظران راستین شمرده شده است.

۳- حل نشدن در فساد محیط

هنگامی که فساد فراگیر می‌شود و اکثریت و یا جمع کثیری را به آلودگی می‌کشاند، گاهی افراد پاک در یک بن بست سخت روانی قرار می‌گیرند، بن بست می‌گردد که از یأس از اصلاحات سرچشمه می‌گیرد. (۴۷) (۰)

گاهی آنها فکر می‌کنند، کار از کار گذشته و دیگر امیدی برای اصلاح نیست و تلاش و کوشش برای پاک نگهداشتن خویش بیهوده است؛ این نومیدی و یأس ممکن است آنها را تدریجاً به سوی فساد و همرنگی با محیط بکشاند و نتوانند خود را به صورت یک اقلیت صالح در برابر اکثریت ناسالم حفظ کنند و همرنگ جماعت نشدن را موجب رسوایی بدانند. تنها چیزی که می‌تواند در آنها روح امید بدمد و به مقاومت و خویشتن داری دعوت کند و نگذارد در محیط فاسد حل شوند، امید به اصلاح نهایی است؛ تنها در این صورت است که آنها دست از تلاش و کوشش برای حفظ پاکی خویش و حتی برای اصلاح

دگران برنخواهند داشت .

(۴۸) ﴿﴾

از مجموع بحث‌های گذشته چنین نتیجه می‌گیریم که اثر تخریبی انتظار تنها در صورتی است که مفهوم آن مسخ و تحریف شود - همان گونه که جمعی از مخالفان ، تحریفش کرده‌اند ؛ و جمعی از مؤلفان مسخش - اما اگر به مفهوم واقعی در جامعه و فرد پیاده شود ، یک عامل مهم تربیت و خودسازی و تحرک و امید خواهد بود .

از جمله مدارک روشنی که این موضوع را تأیید می‌کند ، این است که در ذیل آیه :

« وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ تَخْلُفَتُهُمْ فِي الْأَرْضِ ... ؛ خداوند به آنها که ایمان دارند و عمل صالح انجام می‌دهند ، وعده داده است حکومت روی زمین را در اختیارشان بگذارد... (۱) » از پیشوایان بزرگ اسلام نقل شده
۱- ۵۵ / نور .

(۴۹) ﴿﴾

است که منظور از این آیه « هُوَ الْقَائِمُ وَأَصْحَابُهُ ؛ مهدی و یاران او » هستند .

تنها چنین کسانی هستند که می‌توانند نوید زندگی در حکومت او به خود دهند ، نه آنها که با ظلم و ستم همکاری دارند . و نه آنها که از ایمان و عمل صالح بیگانه‌اند . نه افراد ترسو و زبونی که بر اثر ضعف ایمان از همه چیز حتی از سایه خود می‌ترسند . و نه افراد سست و بی‌حال و بی‌کاره‌ای که دست روی دست گذارده و در برابر مفسد محیط زندگی و جامعه‌شان سکوت اختیار کرده و کمترین تلاشی در راه مبارزه با فساد ندارند .

آری انتظار راستین این است .

(۵۰) ﴿﴾

مصلح بزرگ جهانی در آیات قرآن

قرآن یعنی مهم‌ترین منبع اسلامی ، در این زمینه مانند بسیاری زمینه‌های دیگر تنها یک بحث کلی و اصولی دارد ، بدون این که وارد جزئیات مسأله شود ؛ و به تعبیر دیگر ، آیات قرآن همان را تعقیب می‌کند که در استدلالات عقلی و الهام فطرت داشتیم ؛ یعنی ، خبر از تحقق یک حکومت عدل جهانی در سایه ایمان می‌دهد .

چند نمونه از آیاتی که این بحث را مطرح ساخته ذیلاً از نظر می‌گذرانیم .

۱- در سوره انبیاء (آیات ۱۰۵ و ۱۰۶) می‌خوانیم :

« وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ » قبلاً به مفهوم این چند لغت باید توجه کرد :

«أَرْضُ» به مجموع کره زمین گفته می‌شود و سراسر جهان را فرامی‌گیرد ؛ مگر اینکه قرینه خاصی در کار باشد .

(۵۱) ﴿﴾

«أَرْضُ» در لغت به معنی چیزی است که بدون معامله و داد و ستد به دست کسی می‌افتد ، ولی در بعضی موارد از قرآن کریم ، ارث به تسلط و پیروزی یک قوم صالح بر ناصالحان ؛ و در اختیار گرفتن مواهب و امکانات آنها گفته شده است .

«زُبُور» در اصل به معنی هرگونه کتاب و نوشته است ؛ ولی معمولاً به کتاب «داوود» که در عهد قدیم از آن تعبیر به «مزامیر داوود» شده اطلاق ؛ و آن مجموعه‌ای از مناجات‌ها و نیایش‌ها و اندرزهای داوود پیامبر است ؛ این احتمال نیز وجود دارد که زبور تمام کتب آسمانی پیشین (قبل از قرآن) بوده باشد .

«ذکر» در اصل به معنی هر چیزی است که مایه تذکر و یادآوری باشد ولی در آیه فوق به کتاب آسمانی موسی علیه‌السلام «تورات» تفسیر گردیده به قرینه این که قبل از زبور (۵۲)»

معرفی شده است و طبق تفسیر دیگری «ذکر» اشاره به قرآن مجید است زیرا که در خود آیات قرآن این عنوان به قرآن گفته شده (انْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ). (۱). بنابراین، عبارت «مِنْ بَعْدِ» به معنی «علاوه بر» خواهد بود (دقت کنید). «صالح» به معنی شایسته و صلاحیت‌دار است و هنگامی که بطور مطلق گفته شود صلاحیت و شایستگی از تمام چیزها را فرامی‌گیرد؛ شایستگی علمی؛ شایستگی اخلاقی؛ شایستگی از نظر ایمان و تقوی و آگاهی و مدیریت. و به این ترتیب مفهوم آیات چنین می‌شود: ما در کتاب زبور علاوه بر قرآن مجید (یا پس از تورات) نوشتیم که زمین را ۱- ۲۷ / تکویر.

(۵۳)»

بندگان صالح و شایسته من در اختیار خواهند گرفت؛ و همین برای گروه عبادت‌کنندگان (و آنها که در مسیر بندگی خدا گام برمی‌دارند) برای رسیدن به اهدافشان کافی است. ذکر این موضوع در زبور (اگر به معنی همه کتب آسمانی پیشین باشد) دلیل بر آن است که این موضوع در همه کتاب‌های آسمانی به‌عنوان یک اصل ثابت وجود داشته.

و اگر هم منظور از آن کتاب داوود بوده باشد شاید به تناسب آن است که داوود حکومت وسیع و پهناوری داشت که در مسیر حق و عدالت و منافع انسان‌ها بود؛ اگرچه جنبه منطقه‌ای داشت و فراگیر همه جهان نبود؛ ولی در زبور به‌اوبشارت داده شد که یک حکومت فراگیر جهانی بر پایه آزادی و امتیّت و عدالت در انتظار جهانیان خواهد بود. یعنی هنگامی که شایستگی کافی پیداکنند و مصداق زنده «عِبَادِي الصَّالِحُونَ» (۵۴)»

و بنندگان شایسته خدا گردند. وارث همه میراث‌ها و مواهب زمین خواهند شد. هم‌وارث حکومت مادی و هم حکومت معنوی. در پاره‌ای از روایات که در تفسیر آیه فوق آمده تعبیر روشن‌تر و صریح‌تری در این زمینه دیده می‌شود. از جمله در تفسیر معروف «مجمع‌البیان» در ذیل آیه فوق از امام باقر علیه‌السلام نقل است: «هُم أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ»: این‌ها همان یاران مهدی علیه‌السلام در آخر زمان خواهند بود؛ همان مردان و زنان خودساخته‌ای که وارث همه میراث‌های زمین خواهند شد؛ و شایستگی این رسالت بزرگ را خواهند داشت. جالب توجه اینکه، در کتاب «مزامیر داوود» که امروز جزء کتب عهد قدیم (تورات) است عین این موضوع به تعبیرات گوناگون دیده می‌شود: (۵۵)»

از جمله در مزمور ۳۷ می‌خوانیم:

«زیرا که شریران منقطع خواهند شد و اما متوکلان به خداوند وارث زمین خواهند شد، هان بعد از اندک مدتی شریران نخواهند بود، در مکانش تأمل خواهی کرد و نخواهد بود اما حکیمان وارث زمین خواهند شد.» در همان «مزمور ۳۷» همین موضوع به تعبیرات دیگری نیز آمده است:

«... زیرا متبرّکان خداوند وارث زمین خواهند شد، اما ملعونان وی منقطع خواهند شد - صدیقان وارث زمین شده ابدًا در آن ساکن خواهند شد». (۱)

همان گونه که ملاحظه می‌کنید کلمه صَالِحُونَ که در قرآن آمده کلمه جامعی است که

۱- جمله‌های فوق را از ترجمه تورات که در سال ۱۸۷۸ میلادی توسط مجمع ترجمه کتب مقدّسه به زبان‌های خارجی در لندن به فارسی برگردانده شده، آوردیم.

«(۵۶)»

هم «حکیمان» و هم «صدیقان» و هم «متوکلان» و هم «متبرّکان» را در برمی‌گیرد.

و همان طور که یاد آور شدیم از آیه اخیر یعنی «إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِّقَوْمٍ عَابِدِينَ» استفاده می‌شود که حکومت روی زمین هدف نهایی صالحان و شایستگان نیست بلکه وسیله‌ای است که با آن به هدف نهایی یعنی تکامل انسان در همه زمینه‌ها خواهند رسید زیرا بلاغ به معنی «چیزی که با آن به هدفشان خواهند رسید» می‌باشد.

۲- استخلاف در زمین

در سوره نور، آیه ۵۵، می‌خوانیم:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ يَسِّرَ تَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا سَخَّرْنَا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ» استفاده می‌شود که حکومت روی زمین هدف نهایی صالحان و شایستگان نیست بلکه وسیله‌ای است که با آن به هدف نهایی یعنی تکامل انسان در همه زمینه‌ها خواهند رسید زیرا بلاغ به معنی «چیزی که با آن به هدفشان خواهند رسید» می‌باشد.

«(۵۷)»

لَهُمْ وَلَيَبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمَّا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ .

در این آیه سه وعده صریح به آن‌ها که گروه افراد باایمان و شایسته را تشکیل می‌دهند داده شده است .
و می‌دانیم در هر وعده سه رکن وجود دارد:

وعده‌دهنده که در اینجا خداست ؛ و وعده‌گیرنده که «الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» یعنی مؤمنان صالح هستند ؛ و موادّ مورد وعده که امور سه گانه زیر است :

۱/۲ - «اسْتَخْلِفْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ» - «حکومت روی زمین به عنوان نمایندگی خدا» ؛ یعنی حکومت حق و عدالت .

«(۵۸)»

۲/۲ - تمکین دین - «نفوذ معنوی و حکومت قوانین الهی بر تمام پهنه زندگی» .

۳/۲ - تبدیل خوف به امتیّت ؛ و برطرف شدن تمام عوامل ترس و ناامنی و جایگزین شدن امتیّت کامل و آرامش در همه روی زمین .

منظور از «تمکین دین» همان طور که از سایر موارد استعمال کلمه تمکین برمی‌آید این است که تعلیمات الهی به طور ریشه‌دار و پابرجا در تمام شؤون زندگی نفوذ خواهد داشت ، نه همانند الفاظ صلح و آزادی و حقوق بشر که امروز بازیچه دست مدافعان قلابی آن است و تنها گلوهایشان را برای شعارهای داغ در این زمینه پاره می‌کنند و در خارج از آن اثری نیست ؛ گویی الفاظی هستند رؤیایی که جز در عالم خیال نمی‌توان به آنها دست یافت .

در آن روز تعلیمات حیات بخش و آزادکننده اسلام نه به شکل یک سلسله

«(۵۹)»

تشریفات خشک و صوری و نه به گونه یک مشت الفاظ مومیایی شده ؛ بلکه به عنوان یک دکترین زندگی در همه جا ریشه خواهد دوانید و تلاش بازسازی به ریشه‌ها کشیده خواهد شد نه به شاخ و برگ‌ها و نقش ایوان .

آن روز آگاهی و احساس مسؤولیت جنبه عمومی خواهد داشت؛ و گسترش و تعمیم آن مانع از آن خواهد بود که افرادی بالفاظ بازی کنند و مفاهیم سازنده را مسخ نمایند؛ چه اینکه این گونه کارها تنها در جوامعی امکان‌پذیر است که آگاهی و احساس مسؤولیت همگانی نیست، یا به سر حد نصاب نرسیده، و الا فرصتی برای این بازی‌های کودکانه باقی نخواهد ماند. آرامش و امتیت در آن روز آمیخته با خوف نیست، نه چون امتیتی که گهگاه در جهان امروز پیدا می‌شود و زاییده ترسی از سلاح‌های مخوف و وحشتناک است.

(۶۰) (۱۱)

این تعادل وحشت است نه امتیت! این آرامش ناشی از خوف عظیم از عواقب دردناک جنگ است نه آرامش واقعی! لذا هر روز تعادل وحشت به هم خورد پایه‌های این امتیت و آرامش کاذب نیز فرو خواهد ریخت. نتیجه این وعده‌های سه گانه الهی فراهم شدن زمینه‌ها برای انسان‌سازی و تکامل هرچه بیشتر در مفاهیم انسانی و بندگی خالص خداوند و شکسته شدن همه بت‌ها در تمام قالب‌ها است (يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا).

۳- در سوره توبه، آیه ۳۳، آمده است:

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ».

برای معنی فهم این آیه باید نخست به آیه پیش از آن بازگردیم آنجا که می‌گوید:

(۶۱) (۱۱)

«يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ؛ دشمنان می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند ولی خدا می‌خواهد نور خود را تکمیل کند اگر چه کافران کراهت داشته باشند». از این آیه به خوبی روشن می‌شود که اراده پروردگار بر تکامل نور اسلام تعلق گرفته و تکامل واقعی آن هنگامی خواهد بود که بر سراسر پهنه جهان سایه افکند.

سپس با وضوح بیشتر این حقیقت را در آیه مورد بحث بازگو کرده می‌فرماید:

«خداوند کسی است که پیامبرش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان پیروز گرداند اگر چه مشرکان ناخشنود باشند».

همین وعده با تفاوت مختصری در آیه ۲۸ سوره فتح، تکرار شده است:

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ»

(۶۲) (۱۱)

کفی بالله شهیدا؛ او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا بر تمامی ادیان پیروزش گرداند و همین بس که خداوند گواه (این وعده بزرگ) است.

و بالاخره برای سومین بار این وعده بزرگ را در سوره صف، آیه ۹، با همان تعبیر سوره توبه ملاحظه می‌کنیم:

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ».

از مجموع این آیات که در سه سوره از قرآن ذکر شده اهمیت این وعده الهی اجمالاً به دست می‌آید.

ولی سخن در این است که منظور از پیروزی این آئین بر سایر آئین‌ها چه نوع پیروزی است؟

(۶۳) (۱۱)

منظور پیروزی و غلبه خارجی و عملی در سطح جهان و تمامی روی زمین است، که شامل پیروزی فرهنگی، اقتصادی و سیاسی می‌شود و این تفسیر را جمعی از مفسران اهل تسنن علاوه بر مفسران شیعه پذیرفته‌اند.

مسلماً این وعده تاکنون عملی نشده و تنها بر حکومت جهانی مهدی موعود منطبق می‌گردد که حکومت حق و عدالت همه جا را فراگیرد و این آئین بر تمام آئین‌ها در مقیاس جهانی غلبه یابد.

«عیاشی» به اسناد خود از «عمران بن میثم» از «عبایه» چنین نقل می‌کند.

امیر مؤمنان علی علیه‌السلام هنگامی که آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ ...» را تلاوت فرمود از یاران خود پرسید:

أَظْهَرَ ذَلِكْ؟ (آیا این پیروزی حاصل شده است؟)

«(۶۴)»

عرض کردند: آری!

فرمود:

«كَلَّا؛ فَوَ الَّذِي نَفْسِي بِيدِهِ حَتَّى لَا يَبْقَى قَرْيَةٌ إِلَّا وَ ينادى فيها بِشَهَادَةٍ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بُكْرَةً وَ عَشِيًّا؛ نه، سوگند به کسی که جانم به دست او است این پیروزی آشکار نمی‌شود مگر زمانی که هیچ آبادی روی زمین باقی نماند مگر این که صبح و شام بانگ لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ از آن به گوش می‌رسد» (۱)

این بود قسمتی از آیات قرآن مجید که صلح و عدالت جهانی و ایمان به توحید و اسلام را در سراسر جهان تأکید می‌کند.

۱- مجمع‌البیان، ذیل آیه ۹، تفسیر سوره صف.

«(۶۵)»

علائم ظهور

علائم ظهور

آیا برای نزدیک شدن این انقلاب جهانی نشانه‌ای در دست هست؟

آیا می‌توان پیش‌بینی کرد که هم اکنون چنان انقلابی نزدیک شده یا نه؟

آیا می‌توان زمان این انقلاب را جلو انداخت؟

اگر چنین امری ممکن است با چه وسائلی می‌توان این تاریخ را جلو کشید؟

در برابر این سؤالات باید گفت که پاسخ بیشتر آن‌ها مثبت است.

زیرا هیچ طوفان عظیمی در طبیعت بدون مقدمه آغاز نمی‌گردد و هیچ انقلابی در جامعه انسانی بدون نشانه‌های قبلی صورت نمی‌گیرد.

در احادیث اسلامی نیز اشاره به یک سلسله علامت‌ها و نشانه‌ها برای نزدیک شدن آن رستاخیز عظیم آمده است که می‌توان آن‌ها را بر دو گونه تقسیم کرد:

«(۶۶)»

دسته اول، نشانه‌هایی که کم و بیش در هر انقلابی به تناسب ابعاد آن قابل پیش‌بینی است.

دسته دوم، جزئیاتی است که از طریق اطلاعات و معلومات عادی نمی‌توان به آن‌ها پی برد و بیشتر شکل یک پیشگویی اعجاز‌آمیز را دارد.

در این جا، به «۳ نشانه مهم» از هر دو قسمت اشاره می‌کنیم:

۱- فراگیر شدن ظلم و فساد

نخستین نشانه‌ای که با مشاهده آن می‌توان نزدیک شدن هر انقلابی - از جمله این انقلاب بزرگ را - پیش‌بینی کرد گسترش ظلم و جور و فساد و تجاوز به حقوق دگران و انواع مفسداجتماعی و انحرافات اخلاقی است که خود عامل توسعه فساد در جامعه است. طبیعی است فشار که از حد گذشت انفجار رخ می‌دهد، زیرا انفجارهای اجتماعی

﴿ (۶۷) ﴾

همانند انفجارهای میکانیکی به دنبال فشارهای شدید و زاید از حد است. گسترش دامنه‌های ظلم و فساد وسیله ضحاکان هر زمان بذره‌های انقلاب را آبیاری می‌کند و کاوه‌های آهنگر را در کنار کوره‌های آتش پرورش می‌دهد؛ کم کم بحران اوج می‌گیرد و لحظه انقلاب نزدیک می‌گردد. در مورد نزدیک شدن انقلاب بزرگ جهانی و ظهور مصلح بزرگ مهدی نیز مسأله همین گونه است. منتها همان‌طور که سابقاً هم اشاره شد هیچ لزومی ندارد که مانند افرادی منفی‌باف به فکر توسعه فساد و ظلم بیشتر نیفتیم، بلکه با توجه به وجود مفساد در مقیاس وسیع و به حد کافی باید در ساختن خود و دیگران و یک گروه نیرومند شایسته و شجاع و آگاه که پرچمدار انقلاب باشد کوشش کنیم.

﴿ (۶۸) ﴾

به هر حال، این موضوع در بسیاری از روایات اسلامی تحت عنوان «کَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا؛ همان‌گونه که جهان از ظلم و جور پر شده باشد» آمده است.

عین این تعبیر در بسیاری از احادیث که در منابع شیعه و اهل سنت آمده دیده می‌شود. و از مجموع آن‌ها استفاده می‌شود که از روشن‌ترین نشانه‌های این انقلاب همین موضوع است. در این جا یک سؤال پیش می‌آید که آیا «ظلم» و «جور» با هم تفاوتی دارند که مخصوصاً روی این دو عنوان کرارا تکیه شده است؟

از ریشه این لغات استفاده می‌شود که تجاوز به حقوق دگران دو گونه است که در ادبیات عرب برای هر کدام نامی جداگانه است.

نخست آن است که انسان، حق دیگری را به خود اختصاص دهد و دسترنج دگران را غصب کند، این را «ظلم» می‌گویند.

﴿ (۶۹) ﴾

دیگر آنکه حق افرادی را از آنها گرفته و به دگران دهد و برای محکم کردن پایه‌های قدرت خود، هواخواهان خویش را بر مال یا جان یا نوامیس مردم مسلط کند و با تبعیض‌های ناروا کسب قدرت کند، این را «جور» می‌گویند.

نقطه مقابل «ظلم»، «قسط» و نقطه مقابل «جور»، «عدل» می‌باشد. (۱)

به هر حال، به هنگامی که «تجاوز» به حقوق دگران از یک سو و «تبعیض‌ها» از سوی دیگر، جامعه انسانی را پر می‌کند او ظاهر می‌شود و همه این‌ها را از میان می‌برد.

۱- البته این در صورتی است که این دو کلمه با هم ذکر شوند اما اگر جداگانه ذکر شوند ممکن است هر دو یعنی قسط و عدل به یک معنی اطلاق می‌گردد.

﴿ (۷۰) ﴾

آنچه در بالا گفته شد کلیاتی بود درباره فراگیر شدن فساد به عنوان یک عامل جهش و انقلاب که در هر گونه انقلابی قابل پیش‌بینی است.

ولی قابل توجه این که :

در روایات اسلامی چنان انگشت روی جزئیات این علائم و مفاصد گذارده شده که گویی این پیشگویی‌ها مربوط به ۱۴ یا ۱۳ قرن پیش نیست بلکه مربوط به همین قرن است و یا چندسال قبل صورت گرفته ؛ و امروز که بسیاری از آنها را با چشم خود می‌بینیم قبول می‌کنیم که راستی معجزه آساست .

از جمله ، در روایتی از امام صادق علیه‌السلام اشاره به ده‌ها نوع از این مفاصد که قسمتی از آن جنبه اجتماعی و سیاسی و قسمتی جنبه اخلاقی دارد ؛ شده است که مطالعه آن انسان را عمیقاً در فکر فرو می‌برد .

﴿ (۷۱) ﴾

ما ذیلًا قسمتی از متن روایات مزبور را با تلخیص و سپس ترجمه آن را برای آنها که به ادبیات عرب آشنایی کامل ندارند می‌آوریم :

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِبَعْضِ أَصْحَابِهِ : إِمَامٌ صَادِقٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِهِ يَكْفِيكَ مِنْ يَمَانِ خَلْقِكَ :

۱- إِذَا رَأَيْتَ الْجُورَ قَدْ شَمِلَ الْبِلَادَ: هنگامی که ببینی ظلم و ستم، همه‌جا فراگیر شده؛

۲- إِذَا رَأَيْتَ الْقُرْآنَ قَدْ خَلِقَ وَأُخْرِدَتْ مَا لَيْسَ فِيهِ وَوَجَّهَ عَلَى الْأَهْوَاءِ: هنگامی که ببینی قرآن فرسوده و بدعت‌هایی از روی هوی و هوس در مفاهیم آن آمده ؛

۳- إِذَا رَأَيْتَ الدِّينَ قَدْ انْكَفَى كَمَا يَنْكَفَى الْإِنَاءُ: هنگامی که ببینی آئین خدا (عملاً) بی‌محتوا شده همانند ظرفی که آن را واژگون سازند ؛

۴- إِذَا رَأَيْتَ أَهْلَ الْبَاطِلِ قَدْ اسْتَعْلَوْا عَلَى الْحَقِّ: هنگامی که ببینی اهل باطل بر اهل حق پیشی گرفته‌اند ؛

﴿ (۷۲) ﴾

۵- إِذَا رَأَيْتَ الرِّجَالَ قَدْ انْكَفَى بِالرِّجَالِ وَالنِّسَاءَ بِالنِّسَاءِ: هنگامی که ببینی مردان به مردان و زنان به زنان قناعت کنند (هم‌جنس‌بازی شایع شود)؛

۶- إِذَا رَأَيْتَ الْمُؤْمِنَ صَامِتًا: هنگامی که ببینی افراد باایمان سکوت اختیار کرده‌اند ؛

۷- إِذَا رَأَيْتَ الصَّغِيرَ يَسْتَحْقِرُ بِالْكَبِيرِ: هنگامی که ببینی کوچک‌ترها احترام بزرگ‌ترها را رعایت نمی‌کنند ؛

۸- إِذَا رَأَيْتَ الْأَرْحَامَ قَدْ تَقَطَّعَتْ: هنگامی که ببینی پیوند خویشاوندی بریده شده ؛

۹- إِذَا رَأَيْتَ الثَّنَاءَ قَدْ كَثُرَ: هنگامی که ببینی مداحی و چاپلوسی فراوان شده ؛

۱۰- إِذَا رَأَيْتَ الْخُمُورَ تُشْرَبُ عَلَانِيَةً: هنگامی که ببینی آشکارا شراب نوشیده شود؛

۱۱- إِذَا رَأَيْتَ سَبِيلَ الْخَيْرِ مُنْقَطِعًا وَ سَبِيلَ الشَّرِّ مَسْلُوكًا: راه‌های خیر منقطع و راه‌های شرّ مورد توجه قرار گرفته ؛

﴿ (۷۳) ﴾

۱۲- إِذَا رَأَيْتَ الْحَلَالَ يَحْرُمُ وَالْحَرَامَ يَحُلُّ: هنگامی که ببینی حلال تحریم شود ؛ و حرام مجاز شمرده شود ؛

۱۳- إِذَا رَأَيْتَ الدِّينَ بِالرَّأْيِ: هنگامی که ببینی قوانین و فرمان‌های دینی طبق تمایلات اشخاص تفسیر گردد ؛

۱۴- إِذَا رَأَيْتَ الْمُؤْمِنَ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُنْكَرَ إِلَّا بِقَلْبِهِ: هنگامی که ببینی از افراد باایمان چنان سلب آزادی شود که جز با دل نتوانند ابراز تنفر کنند ؛

۱۵- وَ رَأَيْتَ الْعَظِيمَ مِنَ الْمَالِ يُنْفَقُ فِي سَخَطِ اللَّهِ: هنگامی که ببینی سرمایه‌های عظیم در راه خشم خدا (و فساد و ابتذال و ویرانی) صرف گردد ؛

۱۶- وَ رَأَيْتَ الْوُلَاتَ يَزْتَشُونَ فِي الْحُكْمِ: هنگامی که ببینی رشوه‌خواری در میان کارکنان دولت رایج گردد ؛

﴿ (۷۴) ﴾

- ۱۷- وَرَأَيْتَ الْوَلَايَةَ قَبَالَهٗ لِمَنْ زَادَ: هنگامی که بینی پست‌های حساس به مزایده گذارده شود؛
- ۱۸- وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ يَأْكُلُ مِنْ كَسْبِ امْرَأَتِهِ مِنَ الْفُجُورِ: هنگامی که بینی (بعضی از) مردان از خودفروشی زنان خود، ارتزاق کنند؛
- ۱۹- وَرَأَيْتَ الْقِمَارَ قَدْ ظَهَرَ: هنگامی که بینی قمار آشکار گردد (حتی در پناه قانون)؛
- ۲۰- وَرَأَيْتَ الْمَلَاهِي قَدْ ظَهَرَتْ يَمُنُّ بِهَا لَا يَمْنَعُ أَحَدٌ أَحَدًا وَلَا يَجْتَرُّهُ أَحَدٌ عَلَى مَنَعِهَا: هنگامی که بینی سرگرمی‌های ناسالم چنان رواج پیدا کند که هیچکس جرأت جلوگیری از آن نداشته باشد؛
- ۲۱- وَرَأَيْتَ الْقُرْآنَ قَدْ ثَقَلَ عَلَى النَّاسِ اسْتِمَاعُهُ وَخَفَّ عَلَى النَّاسِ اسْتِمَاعُ الْبَاطِلِ: هنگامی که بینی شنیدن حقایق قرآن بر مردم گران آید اما شنیدن باطل سهل و آسان؛
- ﴿ (۷۵) ﴾
- ۲۲- وَرَأَيْتَ الْجَارِيكِرْمُ الْجَارِخَوْفَامِنْ لِسَانِهِ: هنگامی که بینی همسایه، همسایه خود را از ترس زبانش احترام می‌کند؛
- ۲۳- وَرَأَيْتَ الْمَسَاجِدَ قَدْ زُخِرِفَتْ: هنگامی که بینی مساجد را به زیورها بیاریند؛
- ۲۴- وَرَأَيْتَ طَلَبَ الْحَجِّ لِعَبْرِ اللَّهِ: برای غیر خدا به حج خانه خدا بشتابند؛
- ۲۵- وَرَأَيْتَ قُلُوبَ النَّاسِ قَدْ قَسَتْ: هنگامی که بینی مردم سنگدل شوند (و عواطف بمیرد)؛
- ۲۶- وَرَأَيْتَ النَّاسَ مَعَ مَنْ غَلَبَ: هنگامی که بینی مردم طرفدار کسی باشند که پیروز است (خواه بر حق باشد یا باطل)؛
- ۲۷- وَرَأَيْتَ طَالِبَ الْحَلَالِ يُدْمُ وَطَالِبَ الْحَرَامِ يُمْدَحُ: هنگامی که
- ﴿ (۷۶) ﴾
- بینی آنها که به دنبال حلال هستند نکوهش شوند و آنها که به دنبال حرامند مدح؛
- ۲۸- وَرَأَيْتَ الْمَعَارِفَ ظَاهِرَةً فِي الْحَرَمَيْنِ: هنگامی که بینی آلات لهو و لعب (حتی) در مکه و مدینه آشکار گردد؛
- ۲۹- وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ يَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ، فَيَقُومُ إِلَيْهِ مَنْ يَنْصَحُهُ فَيَقُولُ هَذَا عَنْكَ مَوْضُوعٌ: هنگامی که بینی اگر کسی اقدام به امر به معروف و نهی از منکر کند به او توصیه می‌کنند که این کار وظیفه تو نیست؛
- ۳۰- وَرَأَيْتَ الْمَسَاجِدَ مُحْتَشِيَةً مِمَّنْ لَا يَخَافُ اللَّهَ: هنگامی که بینی مساجد پر از کسانی است که از خدا نمی‌ترسد؛
- ۳۱- وَرَأَيْتَ النَّاسَ هَمُّهُمْ فِي بُطُونِهِمْ وَفُرُوجِهِمْ: هنگامی که بینی تمام همت مردم شکم و فرجشان است؛
- ﴿ (۷۷) ﴾
- ۳۲- وَرَأَيْتَ الدُّنْيَا مُقْبِلَةً إِلَيْهِمْ: هنگامی که بینی امکانات مادی و دنیوی فراوان می‌گردد و دنیا به مردم روی می‌کند؛
- ۳۳- وَرَأَيْتَ النِّسَاءَ يَبْذُلْنَ أَنْفُسَهُنَّ لِأَهْلِ الْكُفْرِ: هنگامی که بینی زنان خود را در اختیار افراد بی‌ایمان می‌گذارند؛
- ۳۴- وَرَأَيْتَ أَعْلَامَ الْحَقِّ قَدْ دَرَسَتْ: هنگامی که بینی پرچم‌های حق پرستی فرسوده و کهنه می‌گردد؛
- ۳۵- وَرَأَيْتَ الْحُزْبَ قَدْ أُدِيلَ مِنَ الْعُمَرَانِ: هنگامی که بینی ویرانگری (به وسیله جنگ‌ها) بر عمران و آبادی پیشی می‌گیرد.
- ۳۶- وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ مَعِيشَةً مِنْ بَخْسِ الْمِكْيَالِ وَالْمِيزَانِ: هنگامی که بینی درآمد زندگی بعضی تنها از طریق کم‌فروشی می‌شود؛
- ﴿ (۷۸) ﴾
- ۳۷- وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ عِنْدَهُ الْمَالُ الْكَثِيرُ لَمْ يُرَّكَهْ مِنْهُ مَلَكَةٌ: هنگامی که بینی کسانی هستند با سرمایه فراوان در حالی که در عمرشان حتی یک مرتبه هم زکات نپرداخته‌اند.
- ۳۸- وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ يُمْسِي نَشْوَانَ وَيُصْبِحُ سَكَرَانَ: هنگامی که بینی مردم عصرها در حال نشئه و صبحگاهان مستند؛
- ۳۹- وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَنْظُرُ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ وَيَقْتَدُونَ بِأَهْلِ الشُّرُورِ!: هنگامی که بینی مردم همه به یکدیگر نگاه می‌کنند و از

فاسدان شرور تقلید می‌نمایند ؛

۴۰- وَرَأَيْتَ كُلَّ عَامٍ يُحَدِّثُ فِيهِ مِنَ الشَّرِّ وَالْبِدْعَةِ أَكْثَرَ مِمَّا كَانَ : هنگامی که بینی هر سال فساد و بدعتی نو ، پیدا می‌شود ؛

۴۱- وَرَأَيْتَ الْخَلْقَ وَالْمَجَالِسَ لَا يُتَابِعُونَ إِلَّا الْأَعْيَاءَ : هنگامی که بینی مردم و محافل همه پیرو ثروتمندان می‌شوند ؛

(۷۹) (۱۱)

۴۲- وَرَأَيْتَ يَتَسَاءَدُونَ كَمَا تَتَسَاءَدُ الْبَهَائِمُ : هنگامی که بینی در حضور جمع ، همانند بهائم مرتکب اعمال جنسی می‌شوند ؛

۴۳- وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ يُنْفِقُ الْكَثِيرَ فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ وَ يَمْنَعُ الْيَسِيرَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ : هنگامی که بینی اموال زیاد در غیر راه خدا

صرف می‌کنند اما در راه خدا از کمی مضایقه دارند ؛

۴۴- وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ إِذَا مَرَّ بِهِ يَوْمٌ لَمْ يَكْسِبْ فِيهِ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ... خَزِينًا : هنگامی که بینی افرادی پیدا می‌شوند که اگر یک روز

گناه کبیره‌ای انجام ندهند غمگینند ؛

۴۵- الْأَسَاءُ قَدْ غَلَبْنَ عَلَى الْمُلْكِ وَ غَلَبْنَ عَلَى كُلِّ أَمْرٍ : هنگامی که بینی حکومت به دست زنان می‌افتد ؛

۴۶- وَرَأَيْتَ رِيَّاحَ الْمُنَافِقِينَ دَائِمَةً وَ رِيَّاحَ أَهْلِ الْحَقِّ لَا تَحْرَكُ : هنگامی

(۸۰) (۱۱)

که بینی نسیم‌ها به سود منافقان می‌وزد و هیچ جریانی به سود افراد باایمان نیست ؛

۴۷- وَرَأَيْتَ الْقَضَاءَ يَقْضُونَ بِخِلَافِ مَا أَمَرَ اللَّهُ : هنگامی که بینی دادرسان برخلاف فرمان خدا قضاوت می‌کنند ؛

۴۸- وَرَأَيْتَ الْمُنَابِرَ يُؤَمِّرُ عَلَيْهَا بِالتَّقْوَى وَ لَا- يَعْمَلُ الْقَائِلُ بِمَا يَأْمُرُ : هنگامی که بینی بر فراز منابر دعوت به تقوا می‌شود ولی دعوت

کننده خود به آن عمل نمی‌کند ؛

۴۹- وَرَأَيْتَ الصَّلَاةَ قَدْ اسْتُخِفَّ بِأَوْقَاتِهَا : هنگامی که بینی مردم نسبت به وقت نماز بی‌اعتنا می‌شوند ؛

۵۰- وَرَأَيْتَ الصَّدَقَةَ بِالشَّفَاعَةِ لَا- يُرَادُ بِهَا وَجْهَ اللَّهِ ... : هنگامی که بینی حتی کمک به نیازمندان با توصیه و پارتی‌بازی

صورت می‌گیرد ، نه برای خدا ؛

(۸۱) (۱۱)

فَكُنْ عَلَى حِدْرٍ وَاطْلُبْ إِلَى اللَّهِ النَّجَاةَ (۱) : در چنین زمانی مراقب خود باش و از خدا تقاضای نجات و رهایی از این وضع

ناهنجار کن ! (که فرج نزدیک است!)

ظهور این نشانه‌ها به تنهایی شرط تحقق یافتن آن انقلاب بزرگ نیست ؛ بلکه مقدمه‌ای است برای بیدارساختن اندیشه‌ها ؛

شلاق‌هایی است برای بیداری ارواح خفته و خواب‌آلود؛ و زمینه‌ای است برای فراهم شدن آمادگی‌های اجتماعی و روانی.

جهانیان خواه ناخواه مجبور به تجزیه و تحلیل ریشه‌های این ناهنجاری‌ها و همچنین نتایج و عواقب آنها خواهند شد و این یک

خودآگاهی عمومی را پایه‌گذاری می‌کند و در پرتو آن یقین می‌کنند که ادامه وضع کنونی امکان‌پذیر نیست؛ بلکه انقلابی

باید کرد .

۱- بحارالانوار ، جلد ۵۲ ، صفحه ۲۵۶ تا ۲۶۰.

(۸۲) (۱۱)

انقلابی در تمام زمینه‌ها برای بنیانگذاری یک نظام عادلانه الهی و مردمی .

ذکر این نکته نیز کاملاً ضروری است که لزومی ندارد که این مفاسد در تمام نقاط جهان آشکار گردد ؛ و اگر محیط‌های کوچکی

پاک باشند این شرط حاصل نباشد ؛ بلکه «معیار چهره نوعی مردم جهان است» خواه در شرق باشد یا غرب ؛ و به تعبیر دیگر ، این

حکم مانند بسیاری از احکام بر اساس «روش غالب» است .

۲- دَجَال (مردم پرتزویر و حيله‌گر)

هنگامی که سخن از «دَجَال» به میان می‌آید، معمولاً طبق یک سابقه ذهنی عامیانه، فقط ذهن‌ها متوجه شخص معین یک چشمی می‌شود که با جثه افسانه‌ای و

﴿ (۸۳) ﴾

مرکب افسانه‌ای‌تر، با برنامه‌ای مخصوص به خود پیش از آن انقلاب بزرگ مهدی ظهور خواهد کرد. ولی همان‌گونه که از ریشه لغت دَجَال از یک سو (۱) و از منابع حدیث از سوی دیگر استفاده می‌شود، دَجَال منحصر به یک فرد نیست بلکه عنوانی است کلی برای افراد پرتزویر و حيله‌گر؛ و پرمکر و فریب و حقه‌باز که برای کشیدن توده‌های مردم به دنبال خود از هر وسیله‌ای استفاده می‌کنند و بر سر راه هر انقلاب سازنده‌ای که در ابعاد مختلف صورت می‌گیرد ظاهر می‌شوند.

در حدیث معروفی که از صحیح «تَرْمِذِي» نقل شده می‌خوانیم که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

۱- دَجَال از ماده دَجَل (بر وزن درد) به معنی دروغ‌گویی و حقه‌بازی است.

﴿ (۸۴) ﴾

«إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ نَبِيًّا بَعْدَ نُوحٍ إِلَّا أَنْذَرَ قَوْمَهُ الدَّجَالَ وَ إِنِّي أَنْذَرُكُمْ (۱): هر پیامبری بعد از نوح قوم خود را از فتنه دَجَال بر حذر داشت، من نیز شما را بر حذر می‌دارم».

مسلمانیان پیشین به مردم عصر خود نسبت به فتنه دَجالی که در آخر زمان آشکار می‌شود و هزاران سال با آنها فاصله دارد هشدار نمی‌دادند.

به خصوص که در پایان حدیث می‌خوانیم:

«فَوَصَّيْتُمْ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ فَقَالَ لَعَلُّهُ سَيُؤَدِّرُكُمْ بَعْضُ مَنْ رَأَى أَوْ سَمِعَ كَلَامِي؛ سپس پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله صفات او را برای ما بیان کرد و گفت شاید پاره‌ای از آنها که مرا دیده‌اند یا سخن مرا شنیده‌اند عصر او را درک کنند!».

۱- صحیح تَرْمِذِي، باب ما جاء في الدَّجَالِ، صفحه ۴۲.

﴿ (۸۵) ﴾

به احتمال قوی ذیل حدیث اشاره به طاغیان و فریبکاران خطرناکی همچون بنی‌امیه و افرادی همانند معاویه است که در لباس «خَالُ الْمُؤْمِنِينَ» و عنوان «کَاتِبِ وَحْي» به مکر و فریب و تزویر و بیرون راندن مردم از صراط مستقیم به سوی آداب و سنن جاهلی و زنده کردن نظام طبقاتی و حکومت استبدادی و خودکامه و روی کار آوردن ناصالحان چاپلوس و جنایتکاران بی‌باک و کنار زدن صلحا و فضلا و مردان لایق، پرداختند.

و نیز در حدیث دیگری در همان کتاب می‌خوانیم:

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در مورد دَجَال فرمود:

« مَا مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا وَقَدْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ وَ لَكِنْ سَأَقُولُ فِيهِ قَوْلًا لَمْ يَقُلْهُ نَبِيٌّ لِقَوْمِهِ تَعْلَمُونَ أَنَّهُ أَعْوَرُ...؛ هیچ پیامبر نبود مگر این که قوم خود را از فتنه دَجَال بر حذر داشت، ولی من جمله‌ای درباره او می‌گویم که هیچ پیامبری به قوم خود نگفته، من می‌گویم او یک چشمی است!».

﴿ (۸۶) ﴾

تکیه روی زمان «نوح» در بعضی از این احادیث، شاید به خاطر اشاره به دورترین زمان باشد؛ یا عدم وجود دَجَال‌ها در زمان‌های پیش از نوح به سبب این باشد که نخستین آئین و شریعت را نوح آورد و یا به خاطر عدم نفوذ حيله‌ها و تزویرها در جوامع انسانی

پیشین بوده است .

به هر حال، توصیف دَجَال به مرد «یک چشمی» تفسیری دارد که به زودی به آن می‌پردازیم.

جالب توجه این که در پاره‌ای از احادیث آمده است که پیش از ظهور مهدی علیه‌السلام ۳۰ دَجَال ظهور خواهد کرد. (۱)
۱- سنن ابی داوود.

((۸۷))

حتی در اناجیل نیز اشاره به ظهور دَجَال شده است .

در رساله دوّم یوحنا (باب ۱، جمله ۶ و ۷) می‌خوانیم :

«شنیده‌اید که دَجَال می‌آید الحال هم دَجَالان بسیار ظاهر شده‌اند.»

و این عبارت نیز تعدّد دَجَال‌ها را تأکید می‌کند .

در حدیث دیگری می‌خوانیم :

« قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَخْرُجَ نَحْوُ مَنْ سَيِّئَ كَذَابًا كُلُّهُمْ يَقُولُونَ أَنَا نَبِيُّ (۱)؛ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله

فرمود: رستاخیز برپا نمی‌شود مگر آن که شصت نفر دروغگو ظهور خواهند کرد که همه ادعای نبوت

می‌کنند! » .

۱- بحارالانوار، جلد ۵۲، صفحه ۲۰۹.

((۸۸))

گرچه در این روایت عنوان دَجَال به میان نیامده، ولی اجمالاً از آن برمی‌آید که مدعیان دروغین و فریبکار در آخر زمان

محدود به یک یا چند نفر نخواهد بود.

به هر حال، آنچه را نمی‌توان در آن تردید کرد این است که هنگام فراهم شدن زمینه‌های انقلاب، در هر جامعه‌ای که باشد، افراد

فریبکاری که در واقع پاسدار نظام‌های فاسد و فرسوده‌اند برای نگاهداری وضع موجود و بهره‌برداری از زمینه‌های فکری و اجتماعی

مردم به نفع اهداف نادرست خود، دست به تزویر و حيله‌گری می‌زنند و حتی شعارهای انقلابی می‌دهند و این یکی از

بزرگ‌ترین موانع راه اصلاح و انقلاب راستین است .

اینها دَجَالانی هستند که همه پیامبران، امت خویش را از آنها برحذر داشتند و نسبت به نقشه‌های فریبنده آنها هشدار دادند .

((۸۹))

منتها پیش از ظهور مهدی و آن انقلاب عظیم و وسیع و راستین، هر قدر زمینه‌های فکری و روانی و اجتماعی در سطح جهانی

آماده‌تر می‌گردد، فعالیت این دَجَالان که یکی بعد از دیگری ظهور می‌کنند افزایش می‌یابد؛ تا در پیشرفت زمینه‌های انقلابی وقفه

ایجاد نمایند و به هزار حيله و فن برای منحرف ساختن افکار دست بزنند .

البته هیچ مانعی ندارد که یک دَجَال بزرگ در رأس همه آنها باشد و اما نشانه‌هایی که در بعضی از روایات برای او ذکر شده

بی‌شبهت به تعبيرات سمبولیک و اشاره و کنایه نیست؛ مثلاً از روایتی که مرحوم علامه مجلسی در بحارالانوار از امیرمؤمنان علی

علیه‌السلام نقل کرده چنین استفاده می‌شود که او دارای صفات زیر است :

۱- او یک چشم بیشتر ندارد که در میان پیشانی‌اش همچون ستاره صبح می‌درخشد! اما همین چشم خون آلود است،

گویی با خون ترکیب شده!

((۹۰))

۲- او الاغ (مرکب) سفید تندروری دارد که هر گام او یک میل است و به سرعت زمین را طی می‌کند!

۳- او دعوی خدایی می‌کند و هنگامی که دوستان خود را به گرد خویش می‌خواند صدای او را تمام جهانیان می‌شنوند .

۴- او در دریاها فرو می‌رود و خورشید با او حرکت می‌کند ، در پیش روی او کوهی از دود و پشت سرش کوه سفیدی قرار دارد که مردم آن را مواد غذایی می‌بینند .

۵- به هنگام ظهور او مردم گرفتار قحطی و کمبود مواد غذایی هستند ... (۱)

شک نیست که ما مجاز نیستیم به هر مفهومی از مفاهیم مذهبی که در قرآن یا منابع

۱- اقتباس از حدیث صَعَصَةَ بْنِ صُوحَانَ (بحارالانوار ، جلد ۵۲ ، صفحه ۱۹۲).

((۹۱))

حدیث وارد شده شکل سمبولیک بدهیم ، چه اینکه این کار همان تفسیر به رأی است که در اسلام به شدت ممنوع شده و عقل و منطق هم آن را مردود می‌شمرد ، ولی با این حال جمود بر مفهوم نخستین الفاظ در آنجا که قرائن عقلی یا نقلی در کار است آن هم صحیح نیست و موجب دور افتادن از مقصود و مفهوم اصلی سخن است .

و اتفاقاً درباره حوادث آخر زمان نیز این گونه مفاهیم کنائی بی سابقه نیست ؛ از جمله می‌خوانیم که «خورشید از مغرب طلوع می‌کند». (۱)

و این یکی از پیچیده‌ترین مسائل مربوط به این قسمت است که ظاهراً با علم روز سازگار نیست؛ زیرا طلوع آفتاب از مغرب مفهومش تغییر مسیر گردش کره زمین است؛

۱- بحارالانوار ، جلد ۵۲ ، صفحه ۱۹۴.

((۹۲))

اگر این موضوع ناگهان صورت گیرد همه آب‌دریاها و تمامی ساختمان‌ها و موجودات سطح کره زمین به خارج پرتاب می‌گردد و همه چیز به هم می‌ریزد و اثری از زندگی باقی نخواهد ماند و اگر تدریجاً صورت گیرد طول شب و روز به قدری زیاد می‌شود که از یک ماه و دو ماه خواهد گذشت و باز نظام کائنات در زمین به هم خواهد ریخت .

ولی در ذیل حدیث بالا که پیرامون نشانه‌های دَجَال است تفسیر جالبی برای این موضوع دیده می‌شود که نشان می‌دهد این تعبیر جنبه کنایه دارد .

چراکه راوی حدیث «نَزَالَ بْنِ سَبْرَةَ» از «صَعَصَةَ بْنِ صُوحَانَ» می‌پرسد که این که امیر مؤمنان علی علیه‌السلام در پایان سخنش پیرامون دَجَال و مانند آن فرمود :

«از حوادثی که بعد از آن رخ می‌دهد از من نپرسید ...» منظورش چه بود ؟

صعصعه در پاسخ می‌گوید :

((۹۳))

« إِنَّ الَّذِي يُصَلِّي خَلْفَهُ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ هُوَ الثَّانِي عَشَرَ مِنَ الْعِتْرَةِ التَّاسِعِ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ هُوَ الشَّمْسُ الطَّالِعَةُ مِنْ مَغْرِبِهَا (۱)؛ آن کس که حضرت مسیح پشت سر او نماز گزارد دوازدهمین نفر از خاندان پیامبر علیه‌السلام و نهمین نفر از فرزندان حسین بن علی علیه‌السلام است و او است خورشیدی که از غروبگاه خود طلوع خواهد کرد!».

بنابراین تعجبی ندارد که دَجالی که با صفات بالا مشخص شده نیز جنبه سمبولیک داشته باشد .

حتماً می‌پرسید چگونه می‌توان آن را تفسیر کرد ؟

در پاسخ این سؤال می‌گوییم بعید نیست دَجال با آن صفاتی که گفته شد اشاره به فریبکاران و رهبران مادی ستمگر در دنیای ماشینی باشد ؛ زیرا :

۱- بحارالانوار، جلد ۵۲، صفحه ۱۹۵.

(۹۴) ﴿﴾

اولاً، آنها یک چشم دارند و آن چشم اقتصاد و زندگی مادی است؛ آنها فقط به یک (بُعْد) می‌نگرند و آن بُعد مادی ملت خویش است؛ و به هزار گونه نیرنگ و تزویر و سیاست‌های استعماری برای رسیدن به این هدف متوسّل می‌شوند؛ آنها دجالانی هستند فریبکار که چشم معنوی و انسانی را از دست داده‌اند.

اما همین یک چشم مادی آنها بسیار خیره‌کننده و پرفروغ است در صنایع به پیروزی‌های درخشانی نائل شده‌اند و از اقطار زمین نیز گذشته‌اند.

ثانیاً، مرکب‌هایی در اختیار دارند که بسیار تند و سریع‌السیر است و کره زمین را در مدّت کوتاهی دور می‌زند با سرعت‌هایی حتی مافوق سرعت صوت.

ثالثاً، آنها عملاً مدّعی الوهیتند و مقدّرات مردم جهان را به دست خویش می‌دانند
(۹۵) ﴿﴾

و با تمام ضعف و ناتوانی که دارند، پیاده شدن در کره ماه را دلیل تسخیر فضا و مهار کردن پاره‌ای از نیروهای طبیعت را نشانه تسخیر طبیعت، درحالی که یک زمین لرزه مختصر، یک طوفان کم قدرت، یک سلّول سرطانی، همه کاسه و کوزه‌های آنها را درهم می‌شکند؛ در عین ضعف و همچون فرعون دعوی خدایی دارند.

رابعاً، با زیردریائی‌ها مجهّز به زیر دریاها می‌روند، و سائل سریع‌السیرشان با مسیر شمس حرکت می‌کند (بلکه گاهی از مسیر آن نیز جلو می‌افتد). در پیش روی کارخانه‌های عظیمش، کوهی از دود و به دنبالش سرش کوهی از فرآورده‌های صنعتی و موادّ غذایی (که مردم آن را موادّ غذایی سالم فکر می‌کنند درحالی که ارزش غذایی چندانی ندارند غالباً خوراک‌های ناسالمی هستند) مشاهده می‌شود.

خامساً، مردم به عللی - از قبیل خشکسالی و یا استثمار و استعمار و تبعیضات
(۹۶) ﴿﴾

مختلف و سرمایه‌گذاری‌های کمرشکن در مورد تسلیحات و هزینه طاق‌تفرسای جنگ‌ها و ویرانی‌های حاصل از آن که همگی معلول زندگی یک بعدی مادی است - گرفتار کمبود مواد غذایی می‌شوند و مخصوصاً گروهی از گرسنگی می‌میرند و از میان می‌روند و دجال که عامل اصلی این نابسامانی‌هاست از این وضع بهره‌برداری کرده به عنوان کمک به گرسنگان و محرومان جامعه برای تحکیم پایه‌های استعمار خود کوشش و تلاش می‌کند.

در پاره‌ای از روایات نیز نقل شده که هر موئی از مرکب عجیب دجال‌ساز مخصوص و نوای تازه‌ای سر می‌دهد که انطباق آن بر این همه وسایل سرگرم‌کننده ناسالم دنیای ماشینی یک بعدی که در تمام خانه‌ها و لانه و شهر و بیابان و ساحل دریایش نفوذ کرده کاملاً قابل تصوّر است.

(۹۷) ﴿﴾

به هر صورت، مهم آن است که عناصر انقلابی یعنی سربازان راستین مصلح بزرگ مهدی موعود علیه‌السلام همچون بسیاری از مردم ساده‌لوح و ظاهرین، فریب دجال صفتان را نخورند و برای پیاده کردن طرح انقلابی خود بر اساس ایمان و حقّ و عدالت از هیچ فرصتی غفلت نکنند.

البته آنچه در بالا گفتیم یک تفسیر احتمالی برای دجال بود که قرائن مختلفی آن را تأیید می‌کند. ولی قبول یا عدم قبول این تفسیر به اصل موضوع صدمه نمی‌زند که مسأله دجال، با این صفات جنبه کنایه دارد نه این که انسانی باشد با چنان مرکب و

چنان صفات و مزایا!

۳- ظهور سفیانی

ظهور «سفیانی» همانند ظهور «دجال» نیز در بسیاری از منابع حدیث شیعه و اهل
(۹۸) (۱)

تسنن به عنوان یکی از نشانه‌های ظهور مصلح بزرگ جهانی و یا به عنوان یکی از حوادث آخر زمان، آمده است. (۱).
گرچه از بعضی روایات برمی آید که «سُفِیَانِی» شخص معینی از آل ابوسفیان و فرزندان او است؛ ولی از پاره‌ای دیگر استفاده
می‌شود که سفیانی منحصر به یک فرد نبوده بلکه اشاره به صفات و برنامه‌های مشخصی است که در طول تاریخ افراد زیادی
مظهر آن بوده‌اند.

از جمله در روایتی از امام علی بن الحسین علیه السلام نقل شده:

«أَهْرُ السُّفِیَانِیِّ حَتْمٌ مِنَ اللَّهِ وَلَا يَكُونُ قَائِمٌ إِلَّا بِسُّفِیَانِیِّ (۲)؛ ظهور سفیانی

۱- به کتاب بحار الانوار، جلد ۵۳، صفحات ۱۸۲ - ۱۹۰ - ۱۹۲ - ۲۰۶ - ۲۰۸ و ۲۰۹ مراجعه شود.

۲- بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۱۸۲.

(۹۹) (۱)

از مسائل حتمی و مسلم است؛ و در برابر هر قیام کننده‌ای یک سفیانی وجود دارد!

از این حدیث به خوبی روشن می‌شود که سفیانی جنبه «توصیفی» دارد نه «شخصی» و اوصاف او همان برنامه‌ها و ویژگی‌های او
است و نیز استفاده می‌شود که در برابر هر مرد انقلابی و مصلح راستین یک (یا چند) سفیانی قد علم خواهد کرد.

در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم:

«إِنَّا وَ آلُ أَبِي سُفِیَانَ أَهْلُ بَيْتَيْنِ تَعَادَيْنَا فِي اللَّهِ: قُلْنَا صَدَقَ اللَّهُ وَقَالُوا كَذَبَ اللَّهُ: قَاتَلَ أَبُو سُفِیَانَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
وَ قَاتَلَ مُعَاوِيَةَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قَاتَلَ يَزِيدُ بْنُ مُعَاوِيَةَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ السُّفِیَانِيُّ يُقَاتِلُ الْقَائِمَ (۱)؛ ما و

۱- بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۱۹۰.

(۱۰۰) (۱)

خاندان ابوسفیان دو خاندانیم که در مورد برنامه‌های الهی باهم مخالفت داریم؛ ما گفته‌های پروردگار را تصدیق کرده‌ایم و آن‌ها تکذیب
کردند. ابوسفیان با رسول خدا صلی الله علیه و آله مبارزه کرد؛ و معاویه با علی بن ابیطالب علیه السلام و یزید با حسین بن علی
علیه السلام؛ و سفیانی با امام قائم مبارزه خواهد کرد.

در بحث گذشته نقش دجال‌ها را در مقابل انقلاب‌های سازنده شناختیم، اکنون باید با نقشه‌های شیطانی سفیانی آشنا شویم؛ زیرا
برای تحقق بخشیدن به مفهوم انتظار راستین شناخت همه «طرفداران» و «مخالفان» طرح اصلاح جهانی نهایت لزوم را دارد.

ابوسفیان که سرسلسله سفیانی‌ها بود مشخصات زیر را داشت:

۱- سرمایه‌داری بود که از طریق غارتگری و غصب حقوق دگران و رباخواری و مانند آن به نوایی رسیده بود.

۲- قدرتمندی بود که از طرق شیطانی کسب نفوذ و قدرت نموده، نقش

(۱۰۱) (۱)

رهبری احزاب جاهلی را در مکه و اطراف آن برعهده داشت؛ و همه شخصیتش در این دو خلاصه می‌شد.

پیش از ظهور اسلام برای خود ریاست و حکومتی قابل ملاحظه داشت، اما پس از ظهور اسلام همه ارکان قدرتش متزلزل گردید،

چرا که اسلام دشمن سرسخت همان‌ها بود که قدرت شیطانی ابوسفیان‌ها بر آن قرار داشت؛ و جای تعجب نیست که او دشمن شماره یک اسلام شد.

۳- او مظهر نظام ظالمانه جامعه طبقاتی مکه به شمار می‌رفت و حمایت بی‌دریغش از بت و بت‌پرستی نیز به همین خاطر بود؛ زیرا بت‌ها بهترین وسیله برای «نفاق افکندن و حکومت کردن» و «تحمیق و تخدیر توده‌های به زنجیر کشیده» و در نتیجه تحکیم پایه‌های قدرت ابوسفیان‌ها بودند.

((۱۰۲))

مخالفت سرسختانه او با اسلام - چنان که گفتیم - به همین دلیل بود که اسلام تمام پایه‌هایی را که شخصیت جهنمی او بر آن قرار داشت ویران می‌کرد؛ لذا از هیچگونه تلاش و کوشش برای خفه کردن انقلاب اسلام فروگذار نکرد. اما سرانجام در جریان فتح مکه آخرین سنگر قدرتش فروریخت و برای همیشه به کنار رفت و گوشه‌نشین شد؛ هر چند دست از تحریکات پنهانی برنداشت. او تمام این صفات را - از طریق تربیت و توارث - به فرزندش معاویه و از او به نوه‌اش یزید منتقل ساخت و آن دو نیز برنامه‌های پدر را - منتها در شکل دیگر - تعقیب کردند هر چند سرانجام با ناکامی مواجه گشتند.

ابوسفیان یک مرد به تمام معنی ارتجاعی بود که از جنبش انقلابی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله سخت بیمناک بود؛ چرا که اسلام طرحی همه جانبه برای دگرگون ساختن آن جامعه

((۱۰۳))

عقب‌افتاده و به تمام معنی فاسد داشت؛ طرحی که با اجرای آن محلی برای زالوهایی همچون ابوسفیان و دار و دسته‌اش باقی نمی‌ماند.

و از این جا می‌توانیم درک کنیم چرا فرزندان و اعقاب او کوشش داشتند رشته‌های اسلام را پاره کنند و مردم را به آئین‌های جاهلی بازگردانند، هر چند در زیر چرخ‌های آن سرانجام خرد شدند؛ ولی به هر حال، ضربه‌های سنگینی بر پیشرفت اسلام و مسلمین وارد ساختند.

از اصل سخن دور نشویم، در احادیث گذشته خواندیم که پیدا شدن ابوسفیان با این مشخصات بر سر راه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از ویژگی‌های انقلاب اسلامی نبود، در برابر هر قائم و مصلحی، ابوسفیانی با مشخصات سرمایه‌دار غارتگر، قدرتمند و ظالم، ارتجاعی و مروج خرافات، وجود داشته و دارد که می‌کوشد، تلاش‌های انقلابی قائم

((۱۰۴))

و مصلح را خنثی کند؛ در راه او سنگ‌بیندازد و حداقل تاریخ انقلابش را به عقب بکشاند.

در برابر قیام مصلح بزرگ جهانی «مهدی» نیز «سفیانی» یا سفیانها قرار خواهند داشت که با قدرت جهنمی‌شان سعی دارند در مسیر انقلاب راستین مهدی وقفه ایجاد کنند؛ زمان را به عقب برگردانند یا لاقط متوقف سازند؛ از بیداری و برچیده شدن نظام‌های ظالمانه طبقاتی به نفع استثمارکنندگان جلوگیری کنند.

تفاوتی که «سفیانی» با «دجال» دارد شاید بیشتر در این است که دجال از طریق حيله و تزویر و فریب، برنامه‌های شیطانی خود را پیاده می‌کند، اما سفیانی از طریق استفاده از قدرت تخریبی وسیع خود این کار را انجام می‌دهد؛ همان گونه که در اخبار

((۱۰۵))

آمده است که او نقاط آبادی از روی زمین را زیر پرچم خود قرار خواهد داد. (۱) که نظیر آن را در حکومت ابوسفیان و معاویه و یزید در تاریخ خوانده‌ایم.

هیچ مانعی ندارد که سفیانی آخر زمان که در برابر مصلح بزرگ جهانی «مهدی» قیام می‌کند از نواده‌های ابوسفیان باشد و

شجره‌نامه و نسبش به او منتهی گردد، همان‌طور که در اخبار آمده است؛ ولی مهم‌تر از مسأله نسب این است که برنامه‌های او و صفات و مشخصات و تلاش‌ها و کوشش‌هایش همه مانند ابوسفیان است و روشی همسان او دارد.

۱- بحارالانوار، جلد ۵۴، صفحه ۲۶.

((۱۰۶))

این «سفیانی» مانند همه ابوسفیان‌ها و همه سفیان‌های دیگر، سرانجام در برابر جنبش انقلاب جهانی مهدی علیه‌السلام به زانو در خواهد آمد و تلاش‌ها و کوشش‌ها و نقشه‌هایش نقش بر آب خواهد شد.

از همه مهم‌تر آن است که باید مردم «دجال‌ها» و «سفیان‌ها» را بشناسانند. این سفیان‌ها گذشته از نشانه‌هایی که قبلاً گفتیم نشانه دیگری نیز دارند که نمونه‌اش در تاریخ اسلام به روشنی دیده می‌شود و آن اینکه: صلحا و شایستگان را از صحنه اجتماع کنار می‌زنند و افراد ناصالح و مطرود را به جای آن‌ها قرار می‌دهند.

«بیت‌المال» را - چنانکه در حکومت دودمان ابوسفیان آمده - میان حواشی و طرفداران خود تقسیم می‌کنند؛ طرفدار انواع تبعیض‌ها، تحمیق‌ها و پراکندگی‌ها هستند و با این مشخصات می‌توان آن‌ها را شناخت و شناساند.

«دجال‌ها» صفوف ضد انقلابی مرموز را تشکیل می‌دهند و «سفیان‌ها» صفوف

((۱۰۷))

ضد انقلابی آشکارا و هر دو، در واقع یک موضع دارند در دو چهره مختلف و تا صفوف آنها درهم شکسته نشود تضمینی برای «پیشرفت» و «بقای» انقلاب نیست.

راز طول عمر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

طرح اشکال: از قدیم به عقیده شیعه درباره مهدی خرده می‌گرفتند که: اگر او فرزند امام عسکری است و به سال ۲۵۵ هجری از مادرش نرجس تولد یافته و هنوز زنده است، باید هم‌اکنون بیش از هزار سال از عمرش بگذرد، در حالی که نه مشاهدات روزانه ما افرادی با چنین عمر طولانی به ما نشان می‌دهد؛

و نه علم و دانش روز می‌پذیرد؛

و نه تاریخ شبیه آن را به خاطر دارد.

((۱۰۸))

بررسی و تحقیق

ما هم با ایرادکنندگان در این قسمت هم‌صدا هستیم که عمرهای عادی و معمولی که می‌بینیم غالباً از یک‌صد سال تجاوز نمی‌کند؛ و به ندرت به یک‌صد و بیست و سال می‌رسد و افرادی که در عصر ما به یک‌صد و پنجاه یا شصت سال و بیشتر رسیده باشند جزء نوادر جهان محسوب می‌گردند.

ولی برای یک بحث علمی و تحقیقی پیرامون مسأله طول عمر هیچ‌گاه نمی‌توان به این مقدار قناعت کرد بلکه باید امور زیر را مورد بررسی قرار دهیم و ببینیم:

آیا عمر طبیعی حدّ ثابتی دارد؟ فیزیولوژی امروز در این باره چه می‌گوید؟

آیا راهی برای افزایش طول عمر هست؟

((۱۰۹))

آیاتاکنون افراد استثنایی که در ساختمان جسمی و روحی و اعضای بدن و حواس مختلف و سایر صفات عمومی انسان‌ها با

دگران فرق داشته باشند دیده شده‌اند؟

آیات تاریخ واقعا کسانی را با عمرهای طولانی تر از آنچه امروز می‌بینیم به خاطر دارد؟
و از همه این‌ها گذشته، باید دید کسانی که این اشکال را طرح کرده چه کسانی هستند و برداشت آنها از مسائل مختلف مذهبی چیست؟

آیا عمر طبیعی حدّ ثابتی دارد؟

یک باطری کوچک عمر معینی دارد؛ مثلاً ۲۴ ساعت پشت سرهم کار می‌کند؛ سپس نیروی آن تمام می‌شود.
یک لامپ برق مثلاً یک هزار ساعت کار می‌کند سپس می‌سوزد.
(۱۱۰)»

یک اتومیل ممکن است بیست سال عمر کند.
همچنین سایر مصنوعات انسانی عمرشان تقریباً معین است و حد متوسّطی دارد؛ البته اگر آنها را خوب نگهداری کنند مقداری بیشتر و اگر بد نگهداری کنند مقداری کمتر کار می‌کند.

در جهان طبیعت نیز همه گونه عمر داریم؛ در دل اتم‌ها ذراتی وجود دارند که یک هزارم ثانیه و گاهی یک «صدمیلیونم ثانیه» بیشتر عمر نمی‌کنند، ولی در مقابل عمر کهره زمین را به پنجهزار میلیون سال تخمین می‌زنند!
حال باید ببینیم آیا عمر موجودات زنده در طبیعت مانند عمر فرآورده‌های صنعتی ماست؟ مثلاً یک انسان بطور متوسط ۸۰ سال؛ یک کبوتر ۵ سال؛ یک حشره چند ماه؛ یک درخت چنار ۱۵۰ سال و یک بوته گل ۶ ماه عمر می‌کند؟
(۱۱۱)»

در گذشته گروهی از دانشمندان عقیده به وجود یک سیستم عمر طبیعی در موجودات زنده داشتند مثلاً:
پاولولف عقیده داشت عمر طبیعی انسان ۱۰۰ سال است.
مچینکوف عقیده داشت عمر طبیعی انسان ۱۵۰ تا ۱۶۰ سال است.
کوفلاند پزشک آلمانی عقیده داشت عمر طبیعی انسان ۲۰۰ سال است.
فلوگر فیزیولوژیست معروف عقیده داشت عمر طبیعی انسان ۶۰۰ سال است.
بالاخره بیکن فیلسوف و دانشمند انگلیسی رقم را از این بالاتر برده و به ۱۰۰۰ سال می‌رساند.
ولی این عقیده از طرف فیزیولوژیست‌های امروز درهم شکسته شده و مسأله حدّ ثابت عمر طبیعی ابطال گردیده است.
(۱۱۲)»

به گفته پروفیسور اسمیس استاد دانشگاه کلمبیا؛ «همان گونه که سرانجام دیوار صوتی شکسته شده و وسائل نقلیه‌ای با سرعتی مافوق صوت به وجود آمد، یک روز دیوار سنّ انسان نیز شکسته خواهد شد و از آنچه تاکنون دیده‌ایم فراتر خواهد رفت!».
دلیل زنده‌ای که برای اثبات این عقیده می‌توان اقامه کرد آزمایش‌هایی است که گروهی از دانشمندان روی گیاهان یا حیوانات مختلف در آزمایشگاه‌ها به عمل آورده‌اند و در شرایط خاصّ آزمایشگاهی توانسته‌اند گاهی عمر یک موجود زنده را به «دوازده برابر» افزایش دهند.

مثلاً آزمایشی که روی گیاهی که معمولاً عمرش دو هفته بیشتر نیست به عمل آمده نشان می‌دهد که می‌توان آن را تا شش ماه نگهداشت.

اگر فرضاً چنین افزایشی روی عمر انسان‌ها عملی شود انسان‌هایی وجود خواهند داشت که بیش از یک هزار سال عمر کنند.

(۱۱۳) ﴿

آزمایش دیگری روی نوعی از مگس میوه که عمر بسیار کوتاهی دارد به عمل آورده‌اند و توانسته‌اند عمر آن را به «نهصد برابر»! افزایش دهند.

اگر فرضاً این افزایش عجیب و خارق‌العاده روزی درباره انسان عملی شود، یک انسان بیش از هفتاد هزار سال! عمر خواهد کرد. البته غالب ما نه آرزوی چنین عمر خسته کننده و طاقت‌فرسایی داریم و نه اگر مجانی هم به ما بدهند می‌پذیریم، کار به جایی رسیده که شاعر می‌گوید:

من از دو روزه عمر آدمم به جان، ای خضر چه می‌کنی تو که یک عمر جاودان داری
و به فرض که ما حاضر به قبول آن باشیم کره زمین استعداد پذیرش این همه انسان را ندارد!

(۱۱۴) ﴿

ولی هدف ما مطالعه و بررسی علمی روی مسأله طول عمر است.

می‌دانیم امروز بسیاری از زیست‌شناسان مسأله افزایش طول عمر انسان را به طور جدی مورد بررسی قرار داده‌اند؛ اگر چنین چیزی امکان‌پذیر نبود این مطالعات بیهوده به نظر می‌رسید.

دانشمندان غذاشناس عقیده دارند طول عمر رابطه نزدیکی با طرز تغذیه و شرایط اقلیمی دارد؛ آنها با مطالعه روی طول عمر ملکه زنبوران عسل که چند برابر زنبوران معمولی عمر می‌کند به این جا رسیده‌اند که این موضوع معلول ژله مخصوصی است که زنبوران کارگر برای تغذیه ملکه فراهم می‌کنند که با عسل‌های معمولی فرق بسیار دارد؛ و جمعی به این فکر افتاده‌اند که با تهیه مقدار فراوانی از این ژله ممکن

(۱۱۵) ﴿

است عمر انسان را تا چند برابر مقدار کنونی افزایش داد.

روانشناسان می‌گویند طول عمر انسان بستگی زیادی به طرز تفکر و عقاید او دارد و با داشتن یک سلسله روحيات و عقاید سازنده و آرام‌بخش، طول عمر انسان افزایش می‌یابد.

گروهی از پزشکان عقیده دارند: پیری یک نوع بیماری است که بر اثر تصلب شرایین و یا «اختلال متابولیس بدن انسان» پدید می‌آید؛ و اگر ما بتوانیم از طریق تغذیه صحیح و داروهای مؤثر بر این عوامل پیروز شویم، پیری را شکست خواهیم داد و از یک عمر طولانی برخوردار می‌گردیم.

همه این گفتگوها این مسأله را به طور وضوح ثابت می‌کند که افسانه «عمر طبیعی ثابت» یک افسانه دروغین بیش نیست؛ و برای عمر موجودات زنده حدّ معینی را نمی‌توان در نظر گرفت.

(۱۱۶) ﴿

مخصوصاً با گشوده شدن راه آسمان‌ها به روی بشر و آغاز سفرهای فضایی، مسأله طول عمر به صورت جدی‌تری مورد توجه قرار گرفته؛ زیرا مسلم شده که عمرهای کوتاه ما مناسب پیمودن فاصله‌های عظیم نجومی نیست. گاهی برای برداشتن یک گام کوچک در این جهان پهناور با سفینه‌های فضایی کنونی عمر چند هزار ساله و یا برای راه‌های دورتر عمر چندین ده هزار سال لازم است؛ لذا، بعضی از دانشمندان به فکر شکل دیگری از افزایش طول عمر افتاده‌اند و آن استفاده از سیستم انجماد است.

این موضوع شاید نخستین بار با مشاهده بعضی از موجودات زنده‌ای که در حال انجماد طبیعی حیات خود را حفظ کرده بودند، کشف شد؛ مثلاً، چندی پیش در لابه‌لای یخ‌های طبیعی ماهی منجمدی پیدا کردند که وضع طبقات یخ نشان می‌داد مربوط به

پنج هزار سال قبل است!

« (۱۱۷) »

ابتدا گمان می‌کردند ماهی مرده است، اما وقتی آن را در آب ملایم قرار دادند با کمال شگفتی شروع به حرکت کرد؛ معلوم شد او در این پنج هزار سال زنده بوده اما شعله بسیار کم‌رنگی از حیات و زندگی!

از اینجا به فکر افتادند که اگر بتوان این روش را درباره انسان نیز به کار برد و مثلاً سرنشین یک سفینه فضایی را که به نقطه دوردستی می‌فرستیم، در کابین خود در حال انجماد فرو بریم و پس از صدها یا هزاران سال که به مقصد می‌رسد، با یک سیستم خودکار، بدن او تدریجاً به حال عادی بازگردد، مشکل طول عمر در سفرهای فضایی حل خواهد شد.

« (۱۱۸) »

هم‌اکنون بعضی از پزشکان به این فکر افتاده‌اند که این سیستم را برای بیمارانی که هنوز راه درمان بیماری آنها کشف نشده و مثلاً مبتلا به سرطان هستند، پیشنهاد کنند که چنین بیمارانی را با روش انجماد در یک حالت خواب عمیق - یا مافوق خواب - فرو برند و مثلاً پس از دو قرن دیگر که راه درمان این بیماری‌ها طبعاً کشف خواهد شد آنها را به حال عادی بازگردانند و درمان کنند.

همه این بحث‌ها و طرح‌ها و پیشنهادها نشان می‌دهد که از نظر علم امروز حدّ ثابتی برای طول عمر بشر و سایر موجودات زنده وجود ندارد و مقدار آن را می‌توان تغییر داد.

« (۱۱۹) »

وجود افراد استثنایی

اگر از بحث گذشته چشم پوشیم و فرض کنیم نوع انسان به طبع نخستین خود، حدّ ثابتی از عمر دارد؛ ولی با این حال، این موضوع را نمی‌توان به همه افراد تعمیم داد زیرا معمولاً در میان انواع موجودات زنده همیشه افراد استثنایی وجود دارند که با استانداردها و ضوابطی که در علوم طبیعی و تجربی دیده‌ایم مطابقت ندارد؛ و حتی گاهی علم از تفسیر وضع آنها عاجز می‌گردد.

در میان افراد انسان اشخاصی دیده شده‌اند که با حواس و ادراکات یا نیروهای فوق‌العاده و کاملاً استثنایی:

در میان افراد یک نوع خاص از درخت یا حیوانات که رشد و نمو ظاهراً معینی دارند و یا عمر و سنّ ظاهراً محدود، افرادی دیده می‌شوند که تمام ضابطه‌ها و

« (۱۲۰) »

استانداردهای نوع خود را می‌شکنند و در یک شکل فوق‌العاده می‌شوند؛ مثلاً:

۱- جهانگردانی که از اسکاتلند دیدن کرده‌اند از درخت عجیب و شگفت‌انگیزی نام می‌برند که قطر تنه آن ۹۰ پاست و میزان عمر آن را به پنج هزار سال تخمین زده‌اند.

۲- در کالیفرنیا درختی مشاهده کرده‌اند که طول قامتش حدود یک صد متر! و قطرش در طرف پایین حدود ۱۰ متر و عمرش را به شش هزار سال برآورد کرده‌اند.

۳- در میان درختان جالب و متنوعی که در جزایر کاناری می‌روید درختی است از نوع عندم یا به تعبیر ما «خون سیاوش» که توجه دانشمندان را به خود جلب کرده است؛ درختی است که می‌گویند از زمان کشف این جزیره (یعنی حدود پانصدسال پیش) تاکنون هیچ‌گونه تغییری در رشد آن مشاهده نکرده‌اند! با این حال به نظر می‌رسد که عمری بسیار طولانی داشته باشد که در این مدّت، اثر گذشت زمان بر

(۱۲۱) (۱)

چهره آن آشکار نشده است؛ لذا، بعضی حدس می‌زنند که این درخت قبل از خلقت آدم وجود داشته است!

۴- در مناطق استوایی زمین، درختانی وجود دارند با عمر جاویدان! یعنی مرتباً در حال ریشه زدن و جوانه زدن هستند و هیچ‌گاه عمرشان پایان نمی‌گیرد.

۵- در میان نوع حلزون‌ها، حلزون‌هایی دیده شده‌اند با عمر چند هزار سال؛ و دانشمندان زیست‌شناس ماهی‌هایی کشف کرده‌اند که عمر آن‌ها را به سه میلیون سال تخمین می‌زنند.

۶- در میان افراد انسان کسانی را می‌بینیم با کارهای شگفت‌انگیز که باور کردن آن حتی برای کسانی که مشاهده کرده‌اند مشکل است. کیست که در جرائد خبرهای مختلفی درباره جوانی که با نیروی خارق‌العاده چشم خود اجسام فلزی مانند قاشق و
(۱۲۲) (۱)

چنگال را خم می‌کرد بدون آن که کوچکترین اشاره‌ای بادت به آن کند، ندیده باشد!

او این عملیات خارق‌العاده خود را در برابر خبرنگاران و حتی از تلویزیون در انگلستان اجرا کرد که انگلیسی‌های دیرباور هم پذیرفتند حقه و حيله خاصی در کار نیست و این یک وضع خاص و استثنایی محسوب می‌شود.

شرح حال جوان ایرانی خودمان را که لامپ و شیشه را مانند نقل و نبات می‌خورد شاید کمتر کسی است که در جرائد نخوانده باشد، در حالی که افراد عادی اگر بدون توجه، مختصر خرده‌شیشه‌ای را لابه‌لای غذا بخورند ممکن است کارشان به جراحی بکشد!

در مطبوعات شرح حال فردی را خواندم که با نیروی خارق‌العاده خود حیوانات درنده و وحشی را رام می‌کرد و به راحتی به آن‌ها نزدیک می‌شد.

در حالات فیلسوف و طیب معروف «بوعلی سینا» می‌نویسند که می‌گفت:

(۱۲۳) (۱)

در موقعی که به مکتب می‌رفتم هرچه شاگردان برای استاد می‌خواندند من حفظ می‌کردم؛ در ده سالگی آن‌قدر از علوم فراگرفتم که در بخارا از من تعجب می‌کردند؛ در ۱۲ سالگی بر مسند فتوا نشستم! و در شهر بخارا فتوا می‌دادم؛ در سن ۱۶ سالگی کتاب قانون را در علم طب تصنیف کردم (همان کتابی که تا چند قرن کتاب درسی در دانشکده‌های پزشکی اروپا بود)؛ درباره حواس مختلف او از جمله دید چشم یا قدرت شنوایی و مانند آن، داستان‌های حیرت‌انگیز نقل شده که در این مختصر نمی‌گنجد؟
(۱)

این‌ها همه افراد استثنایی هستند با ویژگی‌های که دانشمندان علوم طبیعی از

۱- به کتاب «هدیه الاحباب» مراجعه شود.

(۱۲۴) (۱)

تفسیر آن عاجزند و وضع آنها با ضوابط و استانداردهایی که از صفات ویژه انسان در دست است، هماهنگ نیست؛ ولی این عدم هماهنگی هرگز مانع از آن نمی‌شود که ما آن‌ها را بپذیریم؛ و در پرتو آن یک قانون کلی را نیز قبول کنیم که آنچه در «گیاهان» و «جانداران دریایی و صحرائی» و «انسان‌ها» معمولاً مشاهده کرده‌ایم یک قانون ابدی و همیشگی و همگانی نیست؛ بلکه کاملاً امکان دارد که در میان همه آنها افرادی پیدا شوند با صفات ویژه و خارق‌العاده، چه از نظر سن و سال و چه از نظر قدرت‌ها و توانایی‌های روحی و جسمی؛ و هیچ‌گاه وضع استثنایی آنها دلیل بر غیرعلمی بودن پذیرش این پدیده‌ها نخواهد بود؛ بلکه باید قبول کنیم که قلمرو تمام مقررات و ضابطه‌هایی که علوم به دست ما می‌دهند محدود به افراد عادی می‌باشد و افراد استثنایی از

محدوده این مقررات و معیارها خارجند .

﴿ (۱۲۵) ﴾

این ایراد را چه کسانی طرح می‌کنند؟

اگر مشکل طول عمر مهدی علیه‌السلام از طرف ماتریالیست‌ها که همه چیز را از زاویه قوانین طبیعی می‌بینند مطرح شود پاسخش همان است که در بحث‌های فوق ذکر شد، ولی اگر از سوی خداپرستان جهان همانند پیروان آئین مسیح علیه‌السلام و موسی علیه‌السلام و یا برادران اهل تسنن مطرح شود، علاوه بر آنچه گفتیم، سخنان دیگری نیز با آنها داریم که عبارتند از:

۱- آنها برای خدا قدرت بی‌پایان و برای فرستادگان و مبعوثان او خارق‌عادات و معجزات فراوان قائلند؛ به تعبیر دیگر، خدا را حاکم بر قوانین طبیعی می‌دانند نه محکوم این قوانین، آیا شفا دادن بیماران غیرقابل علاج از نظر فن پزشکی و یا زنده کردن مردگان به وسیله مسیح و یا معجزات حیرت‌انگیز دیگری که از موسی علیه‌السلام به وسیله عصا (یک قطعه چوب بی‌ارزش چوپانی) و ید بیضاء و گذشتن از نیل با آن

﴿ (۱۲۶) ﴾

جریان خارق‌العاده، اموری هستند که با ضابطه‌ها و استانداردهای طبیعی سازگارند؟

شک نیست که همه پیروان مذاهب برای تفسیر این گونه پدیده‌ها یک‌زبان می‌گویند تأثیر قوانین و اسباب طبیعی همه به فرمان خدا است و هرگاه او چیز دیگری اراده کند همان می‌شود و اراده او مافوق علل طبیعی است. آیا اگر از نخست وضع چنین بود که انسان‌ها بعد از مردن یک‌بار دیگر زنده می‌شدند و یانابینای مادرزاد با گذشت زمان بینا می‌شد و یا حدّ متوسط عمر یک انسان معمولی یک هزار سال بود، آیا کسی از این امور تعجب می‌کرد و آن را برخلاف قانون عقل می‌دانست؟ ... مسلماً نه! بنابراین، نقض این گونه قوانین نقض یک حکم عقلی و منطقی نیست؛ بلکه نقض یک حالت و یک جریان عادی است که ما طبق مشاهده افراد عادی با آن خو گرفته‌ایم.

﴿ (۱۲۷) ﴾

۲- مسیحیان امروز عموماً معتقدند که دشمنان مسیح علیه‌السلام او را به صلیب (دار) آویختند و کشتند و دفن کردند؛ و پس از چند روز از مردگان برخاست و به آسمان رفت و هم‌اکنون زنده‌است.

مسلمانان نیز گرچه به دار آویخته شدن و قتل عیسی را - طبق گفته قرآن - قبول ندارند؛ ولی او را هم‌اکنون زنده می‌دانند؛ و این گفتاری است که همه دانشمندان اسلامی - جز افرادی معدودی - آن را پذیرفته‌اند.

اگر این استثنا برخلاف حکم عقل نیست و ممکن است انسانی بعد از مرگ و دفن مجدداً زنده شود و حدود دوهزار سال عمر کند، چگونه در موارد ساده‌تر که سخن تنها از یک عمر طولانی کمی بیش از یک‌هزار سال در میان است، محال و غیرمنطقی شمرده می‌شود!

﴿ (۱۲۸) ﴾

۳- هیچ مسلمانی نیست که عمر طولانی نوح را انکار کند، زیرا صریحاً در متن قرآن آمده که تنها دوران دعوت او به سوی توحید و آئین خدا، نهصد و پنجاه سال طول کشید (فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا) (۱).

همچنین درباره خضر و عمر فوق‌العاده طولانی او، غالباً سخن‌هایی شنیده‌ایم.

شگفت‌آور این که گروهی همه این مطالب را در جای خود پذیرفته‌اند، امّا هنگامی که با عقیده مسلمانان در مورد طول عمر «مهدی» رو به رو می‌شوند، انگشت حیرت به دهان می‌گیرند و سر خود را به علامت انکار تکان می‌دهند و

۱-۱۴ / عنكبوت.

« (۱۲۹) »

لبخندهایی می‌زنند که مفهومش این است که این گونه عقاید غیرعقلانه و غیرمنطقی هم می‌تواند پیروانی داشته باشد؟! ولی همان گونه که گفتیم مسأله طول عمر، قطع نظر از معتقدات مذهبی خداپرستان درباره قدرت خداوند و مسأله اعجاز، با منطق علوم طبیعی روز کاملاً قابل هضم است؛ تنها مشکلی که در این راه وجود دارد این است که ما راستی خود را از قید و بند پیشداوری‌ها، تعصبات خاص و عادات و رسوم که به آن خو گرفته‌ایم آزاد کنیم و تنها تسلیم دلیل و منطق باشیم و بحث حرّ و آزاد!

ما هنگامی که در جرائد می‌خوانیم یک مرد اتریشی ۱۴۰ سال از عمرش گذشته بود در حالی که حتی یک‌بار هم بیمار نشده بود!

و یا مردی در کلمبیا در سنّ ۱۶۷ سالگی کاملاً جوانی‌اش محفوظ بود!
« (۱۳۰) »

و یا مردی در چین در سنّ ۲۵۳ سالگی مویش سیاه بود!
از این‌ها تعجب می‌کنیم؛ زیرا هرچه باشد برخلاف افراد معمول و عادی است؛ ولی اگر منابع این خبر مورد اطمینان باشند و یا در همه مطبوعات به عنوان یک خبر قطعی ذکر شود آن را خواهیم پذیرفت.
اما چرا هنگامی که در حدیث می‌خوانیم:

« أَلْقَائِمُ هُوَ الَّذِي إِذَا خَرَجَ كَانَ فِي سِنِّ الشُّيُوخِ وَ مَنَظَرِ الشَّبَابِ؛ قَوِيٌّ فِي بَدَنِهِ : هنگامی که قائم خروج می‌کند در سنّ پیران است اما با چهره جوانان و از نظر جسمی نیز نیرومند است» تعجب می‌کنیم.
شیعه می‌گوید:

چگونه بر طرز فکر آنهایی که برای نوح و مسیح، عمر طولانی قائلند و در حالات بوعلی سینا این ویژگی‌های عجیب را می‌نویسند؛ و یا پس از مشاهده کج شدن
« (۱۳۱) »

اجسام فلزی با نگاه یک جوان و یا مشاهده درختان و جانداران طویل‌العمر لبخند نمی‌زنیم، اما هنگامی که سخن از طول عمر مهدی علیه‌السلام به میان می‌آید گروهی قیافه اعتراض آمیز به خود می‌گیرند و با اعجاب می‌گویند مگر چنین عمر طولانی برای انسانی ممکن است!

کوتاه سخن اینکه: مسأله طول عمر از مسائلی نیست که بتوان در یک داوری منصفانه و منطقی بر آن خرده گرفت و یا آن را انکار کرد. (۱)

پایان جلد اول

۱- این مطالب از کتاب حکومت جهانی مهدی (عج)، تألیف حضرت آیه الله مکارم شیرازی، استفاده شده است.
« (۱۳۲) »

«کتابنامه»

۱ - بیستونی، محمد، تفسیر جوان (۵ جلدی)، اول، قم، انتشارات بیان جوان.

۲ - بیستونی، محمد، فهرستواره موضوعی تفسیر جوان، اول، قم، انتشارات بیان جوان.

- ۳- بیستونی، محمد، تفسیر بیان (۳۰ جلدی)، اول، تهران، انتشارات فراهانی .
- ۴- بیستونی، محمد، فهرستواره موضوعی تفسیر بیان، اول، تهران، انتشارات فراهانی .
- ۵- نوری، میرزا حسین، خورشید غائب (مختصر نجم الثاقب)، اول، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران .
- ۶- برنجیان، جلال، آینده جهان، سوم، تهران، انتشاراتی طور تهران .
- ۷- بحارالانوار، ج ۸۶ .
- « (۱۳۳) »
- ۸- بحارالانوار، ج ۵۳ .
- ۹- مصطفوی، علی اصغر، «سوشیانت یا سیر اندیشه ایرانیان درباره موعود آخرالزمان»، نقل از نصری، عبدالله «سیمای انسان کامل» .
- ۱۰- حموی، حافظ، «فرائد السمّین»، نقل از کتاب «الْمَهْدِيُّ الْمَوْعُودُ الْمُتَنْتَظَرُ عِنْدَ عُلَمَاءِ أَهْلِ السُّنَّةِ»، شیخ نجم‌الدین عسکری، ج ۲ .
- ۱۱- راشدی، لطیف، «الحاوی للفتاوی» جزء دوم، نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام .
- ۱۲- محی‌الدین، «فتوحات مکیه»، نقل از ترجمه «کشف الآشثار» اثر محدث نوری ترجمه جلال برنجیان، مخطوط .
- ۱۳- شیخ مفید، «الاختصاص»، نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام
- « (۱۳۴) »
- ترجمه لطیف راشدی .
- ۱۴- طبرسی، «اعلام‌الوری»، نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه لطیف راشدی .
- ۱۵- علامه مجلسی، «بحارالانوار»، ج ۵۳ باب توقیعات .
- ۱۶- سلیمان، کامل، «ترجمه یوم‌الخلاص»، ج ۱ .
- ۱۷- سلیمان، کامل، «ترجمه یوم‌الخلاص»، ج ۱ .
- ۱۸- صافی، لطف‌الله «منتخب‌الاثّر»، نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه لطیف راشدی .
- ۱۹- عاملی، شیخ حرّ، «اثبات الهداة»، ج ۷ نقل از «ترجمه مکیال‌المکارم» محمد تقی اصفهانی، ترجمه حائری قزوینی، ج ۱ .
- « (۱۳۵) »
- ۲۰- علامه مجلسی، «بحارالانوار»، ج ۵۳ نقل از اصفهانی، محمد تقی، «ترجمه مکیال‌المکارم»، ترجمه حائری قزوینی، ج ۱ .
- ۲۱- امین، سید محسن، «ترجمه اعیان‌الشیعه» (آشنایی با امام زمان علیه‌السلام) .
- ۲۲- «الزام‌الناصب»، ج ۲، نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه لطیف راشدی .
- ۲۳- نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه لطیف راشدی .
- ۲۴- علامه مجلسی، «بحارالانوار»، ج ۵۲ .
- ۲۵- «بحارالانوار»، ج ۵۲ .
- ۲۶- علامه مجلسی، «بحارالانوار»، ج ۵۱ به نقل از «کمال‌الدین» .
- ۲۷- نعمانی، ابن‌ابی زینب، «الغیبه»، «الزام‌الناصب» نقل از کتاب مخطوط

(۱۳۶) ﴿﴾

درباره امام‌زمان علیه‌السلام ترجمه لطیف راشدی .

۲۸- «المهدی»، «بشارة الاسلام» و علامه مجلسی، «بحار الانوار»، ج ۵۲ نقل از کتاب مخطوط درباره امام‌زمان علیه‌السلام ترجمه لطیف راشدی .

۲۹- شیخ طوسی، «الغیبه»، نقل از کتاب مخطوط درباره امام‌زمان علیه‌السلام ترجمه لطیف راشدی .

۳۰- «الحاوی للفتاوی»، ج ۲ نقل از کتاب مخطوط درباره امام‌زمان علیه‌السلام ترجمه لطیف راشدی .

۳۱- مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، «عقد الدرر»، نقل از کتاب مخطوط درباره امام‌زمان علیه‌السلام ترجمه لطیف راشدی .

۳۲- علامه مجلسی، «بحار الانوار»، ج ۵۲، نقل از کتاب مخطوط درباره امام‌زمان علیه‌السلام

(۱۳۷) ﴿﴾

ترجمه لطیف راشدی .

۳۳- مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، «عقد الدرر»، نقل از کتاب مخطوط درباره امام‌زمان علیه‌السلام ترجمه لطیف راشدی .

۳۴- صدر، محمد، «تاریخ مابعدالظهور»، نقل از کتاب مخطوط درباره امام‌زمان علیه‌السلام ترجمه لطیف راشدی .

۳۵- علامه مجلسی، «بحار الانوار»، ج ۵۱، نقل از حکیمی، محمد، «درفجر ساحل» .

۳۶- شیخ صدوق، «علل الشرایع»، نقل از صافی، لطف‌الله «منتخب الاثر» .

۳۷- شیخ صدوق، «کمال الدین»، ج ۲ .

۳۸- صافی، لطف‌الله «منتخب الاثر» .

۳۹- مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی «عج»، یازدهم، قم، انتشارات

(۱۳۸) ﴿﴾

نسل جوان

۴۰- آیات اعظام صافی گلپایگانی، سبحانی، کورانی، در جستجوی نور، دوم،

قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران

۴۱- امینی، ابراهیم - دادگستر جهان - ۲۵ - قم - انتشارات شفق

۴۲- مجمع‌البیان، ذیل آیه ۹، تفسیر سوره صف.

۴۳- بحار الانوار، جلد ۵۲.

۴۴- صحیح ترمذی، باب ما جاء فی الدجال.

۴۵- «هدیه الاحباب».

۴۶- تفسیر برهان.

۴۷- نهج البلاغه، کلمات قصار.

(۱۳۹) ﴿﴾

۴۸- بحار الانوار، جلد ۱۳، چاپ قدیم.

۴۹- بحار الانوار، جلد ۱۲.

۵۰- نورالابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار.

۵۱- منتخب الاثر.

- ۵۲- مولوی نیا، محمد جواد، سیمای مهدویت در قرآن، چاپ اول، قم، انتشارات امام عصر علیه السلام.
- ۵۳- طباطبایی، سید محمد، ملاقات علماء بزرگ اسلام با امام زمان علیه السلام، دوم، قم، انتشارات شمیم گل نرگس.
- ۵۴- علی پور، حسین، جلوه‌های پنهانی امام عصر علیه السلام، اول، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران.
- (۱۴۰) (۱۱)
- ۵۵- رجالی تهرانی، علیرضا، یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان علیه السلام، دهم، قم، انتشارات نبوغ.
- ۵۶- موسی الصفار، حسن، امام مهدی علیه السلام امید ملت‌ها، پنجم، تهران، انتشارات آفاق.
- ۵۷- علامه مهری، سید مصطفی، مهدی موعود علیه السلام یارانی این گونه دارد، اول، قم، انتشارات علامه بحرانی.
- ۵۸- فلسفی، محمد تقی، حکومت جهانی امام عصر علیه السلام، اول، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام.
- ۵۹- حسینی، سید حسین، یاد محبوب، دوم، تهران، انتشارات نشر آفاق.
- ۶۰- حکیمی، مهدی، منتظر، چشم به راهی فریاد گر!!!! - اول - مشهد - انتشارات به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی).
- (۱۴۱) (۱۱)

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی

ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت‌های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی

جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل

و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق

روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده

است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،

هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی

اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از

پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بداند، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

